



ارگان کمیته خارج زکشور سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) سال اول - شهریور ۱۳۶۶

هشتمین سال جنگ و جنبش صلح

در این آنجا طنزها را رگرفته به موقعیت و متناسب با شرایط و طرق مختلف علیه جنگ مبارزه می کنند. اما آنچه در این نوشته مورد نظر است جنبش ضد جنگ در سطح خارج زکشور است.
هما نظور که می دانیم خارج زکشور زمینه بسیار مساعدی برای برپا کردن جنبش ضد جنگ که در حقیقت جزو مسبر سرنگونی رژیم فقیها نیست، فراهم میکند.
نوده مهاجرین ایرانی و افکار عمومی مردم کشورهای غربی، خصوصا لایه های دمکرات و صلح دوست، مستعد سازمانیابی برای چنین جنبشی بوده و هستند.
بقیه در صفحه ۲

نمی مانند بعد از کرمخارج و سخت و با شهبای نهادهای دولتی، برای سرکردن شکمگرسه کارگران و زحمتکشان یک کشور ۴۸ میلیونی صرف شود. بسیاری ساخته این اقتصاد در هم نکسته، فقها جز تعطیل رشته های تولیدی و بسکارسازی توده های کارگران، جز کاهش هزینه های عمومی و سخت تر کردن زندگی و معاش زحمتکشان راه دیگری نرفته اند.
در قبال معاشات جنگ و موازات بحران های ویرانگر، خواست صلح و جنبش ضد جنگ در میان مردم دامنگین شده و با فتاد است. توده های مردم

هفت سال ارتجاعی عراق و عراقی کت، حکمی که در آن تعداد دکنته ها و محرومیت را با رتبه میلیونی سمارس می کند، حکمی که باعث ویرانی بی نظیرها و روستا های بسیاری و آوارگی میلیونها نفر از مردم و نابودی ناسات صنعتی متعدد و آسب های جدیدی بر سر لوده های انما دید و کشور عداست در کورما، است از ۴۰ درصد ارز ناشی از نروث نفت، صرف خریدها و تسلیحاتی می شود، و در همس حدی از سوا نهمدرسته ها و انما دی صرف حیده ها می گردد، در نتیجه حدان جزو در کسه بغها



اعلامیه مشترک

اعلامیه مشترک کمیته خارج زکشور سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) و نما بیندگی شورای عالی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در خارج زکشور بمناسبت آغاز هشتمین سال جنگ ارتجاعی ایران و عراق
در صفحه ۳

پیام همبستگی کمیته خارج زکشور سازمان به حزب کمونیست ترکیه اتحاد (TKPB) بمناسبت سالروز کودتای نظامیان در ترکیه
در صفحه ۳

۱۷ شهریور: بلوغ جنبش انقلابی
در صفحه ۱۵



انقلاب نیکوکارانه

و جنبش زنان
در صفحه ۴

”سراب خمپنی“

”سراب حزب توده“

در صفحه ۱۴

زندگی و مبارزات پناهندگان
آلمان فدرال - گوتینگن
دعوت به تظاهرات علیه جنگ ایران و عراق
آلمان فدرال -
یک پناهنده هندی با زگردانیده
شدا
یک پناهنده غنائی خودکشی کرد!
پاکستان - کراچی:
اسکان پناهندگان ایرانی در اردوگاهها
گراوشی از موقعیت پناهندگان ایرانی در پاکستان بعد از حمله ی مزدوران جمهوری اسلامی به آبان
در صفحات ۸ و ۹

هشتمين سال جنگ و جنبش صلح

ارتباط جمعی با امکانات گسترده، اگرچه نه در همه موارد و زمینه‌ها، قابلیت بخدمت گرفته شدن برای چنین هدفی را داشته و دارند. بخش بزرگی از تسوده‌ها، مهیا برپا نیا آورده‌اند و آنانی که تشکیل می‌دهند که بدلیل رها نشدن زکوره آدمخواه جنگ، رنج غربت و سرگردانی را پذیرفته‌اند و محسوس ترا زدیکران با مصائب این جنگ رودر رو بوده‌اند و ماه فعلی علی‌ه آن می‌باشند. بخش بزرگ دیگری نیز چه بلحاظ سیاسی و چه بلحاظ ارتباطات نزدیک با خویشا نو و بستگان خود که در آتش جنگ می‌سوزند، حاضر به مقابله جدی علیه آن هستند. بطور خلاصه اکثریت توده مها جریسن بطور مستقیم و غیر مستقیم درگیر مشکلات و رنج‌های این جنگ خانمانسوز هستند و برای شرکت فعال در جنبش صلح ما دگیدا رند.

این توده‌ها را آنچه‌ان توان وظرفیتی است که می‌توانند و بلا بطور موثر بر روند تحمیل صلح به رژیم فقها موثر باشد و در صورت فرا روئی به یک

جنبش سراسری بعنوان پشتیبان و مبلغ جنبش صلح در داخل کشور عمل نماید و امکانات فراوانی جهت سازمان‌دهی به این جنبش در داخل مهیا کند. موارد استثنائی از این فعلیتهای ضد جنگ که با استقبال عمومی روبرو شده است (نظیر تظاهرات فرا نکتفورت - آلمان غربی) این ظرفیت را بخوبی عیان ساخته است. آنچه ما در این میان گروهی است، بر طرف کردن انحرافات و مشکلات سازماندهی توده‌ها و ضد جنگ است که عموماً دچار همگان انحرافات است که فعلیتهای دموکراتیک خارج از کشور با آن روبروست. طی این هفت سال، جنبش ضد جنگ، در خارج از کشور بصورت عمومی و فراگیر سازماندهی نشده است و این علیرغم همه ظرفیتهای آن و توان بالقوه‌ای است که ذکر آن رفت. گروه اصلی در سازماندهی این فعلیتهای همچون فعلیتهای دموکراتیک دیگر، دفاع از منافع حقیر و تنگ نظران گروهی است. موارد متعددی از

اتحاد عملها و همکاریهای ضد جنگ در گذشته می‌توانستند سنگ پایه یک جنبش پایداری در این زمینه گردند. اما همه آنها بخاطر درگیریها و بحشهای بی‌پایان حول شعارها و درخواستها که هر یک بی‌اکننده اصول ایدئولوژیک و فرقه‌ای این سازمان گروه بوده است، از تداوم و گسترش بعدی خود بازمانده است. سکتاریسم بجای تفکیک مطالبات حزبی از درخواستها که بی‌اکننده منافع مشترک با دیگر سازمانها می‌باشد، همه درخواستها و مطالبات را در مجموعه‌ای از اصول و فروع ایدئولوژیک خود و در یک پلاتفرم گنجانده و آنرا مبنای اختلاف و همکاریه بر سر هر شعار و تاکتیک مشخصی قرار می‌دهند. نمونه زنده چنین برخوردی را میتوان در تهیه فراخوانها و بهنگام بحث جهت دعوت به آکسیون ضد جنگ در اینجا و آنجا مشاهده کرد. بر خورد سکتاریستی را در اردکان در فراخوان علامیه مربوط به آکسیون، جنبه‌های تحلیلی مربوط به نگرش خاص آنها در مورد جنگ آورده شود. مثلاً قبلاً اینکجا این جنگ از ابتدا ارتجاعی بوده است و یا اینکه صلح لزوماً از طریق سرنگونی حکومت اسلامی و انقلاب می‌گذرد. اینگونه قیود که بر مبنای تحلیلهای معینی طرح می‌گردند، جز موضوعاتی برای مشاجرات و بحثهای طولانی که لاجرم منجر به دور شدن از توافق بر سر یک شعار معین که بی‌اکننده خواست طرفین است اختلاف است نخواهند بود. چنین روشی راه هر نوع همکاریه را سد می‌کند و یا به بده‌بستانهای سیاسی و حتی زشکاریهای ایدئولوژیک بر سر مواضع اصولی ختم می‌شود. چنین برخوردی نه‌بسیار زمانه‌ای لایه‌هایی که مخاطب قرار می‌گیرند می‌نجاتد و نه به روشنگری و آگاهی طبقه‌ای که دم‌از زمانه‌ی ننگی زده می‌شود. چنین روشی تنها به انزوای سیاسی و منشوش کردن ذهن و در هم ریختن مواضع طبقاتی می‌انجامد. و نتیجه عملی‌اش پراکندگی در جنبش دموکراتیک صلح خواهد بود.

نکته مهم دیگر در سازماندهی جنبش، نقش و خصوصیات ارگان‌ها است که بعنوان دعوت کننده، با این جنبش مری می‌شود. اگرچه ما اتحاد عمل سازمانها سیاسی، در چنین مواردی را صحیح و موثر نمی‌دانیم اما در شرایط کنونی آنها می‌توانند بیشترین مفایدها را بزمینه‌ها فراخوانده و سازماندهی دهد. یک شکل نوین دموکراتیک است. برپا نشی کمیتتهای ضد جنگ چه بصورت مستقل و چه از طریق همکاریه‌ها و نونهای دموکراتیک، می‌توانند کارآترین وسیله جهت سازماندهی یک جنبش فراگیر و توانمند ضد جنگ را مهیا نمایند.

با چنین درکی از نحوه شکل‌دهی جنبش ضد جنگ، که آنرا یکی از مهمترین عرصه‌های فعلیتهای دموکراتیک در خارج از کشور میدانیم، همه نیروها و عناصر مترقی و مبارزان را فرا می‌خوانیم تا با درک موقعیت حاسم کنونی و احساس مسئولیت نسبت به سر نوشت مردمان، که هفت سال است در آتش این جنگ می‌سوزند، در سازماندهی یک جنبش پرتوان صلح و علیه جنگ فقها به اتحاد عمل گسترده دست بزنیم.





اعلامیه مشترک

بمناسبت آغاز هشتمین سال جنگ ارتجاعی
ایران و عراق!



انزوی رژیم در عرصه بین‌المللی و در منطقه در قطعنا ما خیر شورای
امنیت تجلی یافته است. سیاست تحت فشار قرار داد دولت‌ها ی خلیج جهت
مقابل آنها با رژیم عراق نتیجه معکوس بیار آورده و رژیم در منطقه نیز به در
گیری مستقیم با دولت کویت و پس از حادثه مکه با عربستان سعودی کشیده شده
است. فشار داخلی و جهانی برای پایان دادن به جنگ واقعیتی است که تا کنون با
چنین وزنی روی سر رژیم سنگینی نکرده است. با این همه آیا می‌توان انتظار
داشت که رژیم حاضر به پایان دادن به جنگ بشود؟

موجودیت رژیم جمهوری اسلامی با این جنگ گره خورده است. رژیم برای
حفظ حاکمیت خود برای خلاصی از نوبه تضادهای که پیرامون او را محاصره کرده
است و در درون خویش می‌پرورد به او ماه این جنگ نیاز دارد. سماجت رژیم در ادامه
این جنگ و پراگندگی آنست که تداوم حیات خود را در تداوم این جنگ و ادامه مسن
زدن به جنبش‌های ارتجاعی با ناسلامیستی در منطقه و پراگندگی آن‌ها ی بحران‌های
دیگر می‌بیند. اما همین بحران آفرینی‌ها مخممه‌ای است که راه نجاتی در آن نیست.
بی‌تردید رژیم با این مختصات عملاً صلی جنگ افروزی و بحران‌زایی
است. مبارزه برای یک صلح عادلانه و دامن‌شکنی با سرنگونی رژیم بدست
خواهد آمد. ولی درست بدلیل خصوصیت جنگ طلبانه رژیم، مبارزه برای دامن
زدن به افکار عمومی علیه سیاست‌های آن، تاکتیک موثری است برای تشدید
بحران‌های رژیم و هل دادن او به سوی گورستان. افکار عمومی جهانی و فشار
های بین‌المللی عوامی هستند که رژیم علیه‌رغم دهن‌کجی‌های معمولی‌اش نمی‌تواند
تواند نسبت به آنها بی‌اعتنا باشد. زیرا این عوامل اهداف وسیع‌تری از جنگ
طلبانه او را محدود می‌کنند. بنا بر این سازمان‌های انقلابی و دمکرات و همچنین
جنبش‌های دمکراتیک خارج از کشور، باید در این راستا هر مفاضا را فکرا و عمومی
جها نیز بر علیه رژیم بکار گیرند. و در اتحادیه‌های نیروهای ترقی‌خواه و صلح دوست
کشورهای دیگر، دولا مبریا لیستی را که مبارزه به فروش اسلحه به رژیم
اسلامی می‌کنند تحت فشار قرار دهند.

مرکز جنگ

مسرح رژیم جمهوری اسلامی ایران
مستحکم با اتحاد عمل همه نیروهای انقلابی

نمایندگی شورای عالی سازمان چریک‌های فدائیان خلق ایران در خارج از کشور
کمیته خارج از کشور سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

۲۷ شهریور ماه ۱۳۶۶

آغاز هشتمین سال جنگ ارتجاعی ایران و عراق نمایانگر درماندگی
رژیم و فرورفتگی و دراماتی با تلاق خوفناکی است که موجودیت او را در خود
به نا بودی می‌برد. تاکنون هیچکدام از تقلاب‌های نظامی رژیم برای خلاصی از این
سرنوشت محتوم راه‌جائی نبرده است. نتیجه عملیات رنگارنگ و انفجاری،
کربلا، نصر، جز تشدید دامن بحران سیاسی منطقه، انزوی جهانی رژیم،
تشدید دامن اختلافات با ندها و درونی، و پراگندگی بیشتر کشور، تلفات عظیم در
جبهه‌ها، افزایش دخالت نظامی مبریا لیست‌ها در منطقه و بالاخره در هم
پیچیده شدن بیشتر کلاف کورسرنوشت رژیم حاصل دیگری در برنده شده است. شعار
های فتح نزدیک و یکسره کردن جنگ و سرنگونی مدام که همه برای تقویت روحیه
سپاه و امت حزب الله، جهت پرکردن جبهه‌ها و بسیج نیروی ناسلامیست‌ها در
هیچکدام مفرجی برای خروج رژیم از بن‌بست جنگ حاصل نگردند. و آن "نقطه مطلوب" که
رهبران جمهوری اسلامی آنها دنیا می‌کنند هنوز در دور دست‌ها قرار دارد و این
در حال لیست که ذخایر رژیم همچنان روبه کاهش می‌رود و مهمترین نقطه تکسای
نظام رژیم یعنی نیروی ناسلامی رونق‌طلانی شدن جنگ همچنان سیر نزولی داشته
است.

نیروی و طلب به سرعت کاهش یافته و خودداری مضمولین از معرفی خود
به واحدهای بسیج گسترده شده است. بیگونه‌ای که تا مین حد اقل نیروی مورد نیاز
برای جبهه‌ها نمی‌توانند به شیوه معمولی سرپا زگیری نجام گیرند رژیم جنگ افروز
خیمینی‌شیوه پلیسی را برای بدانداختن مضمولین در پیش گرفته است. و
قوانینی گذرانده که طبق آن سپاهیان، کمیته‌ها، ژاندارمری و
شهربانی‌ها از زمین‌ها بند "کلیه ماکن عمومی ز قبیل هتل‌ها، مهمانی‌ها،
گاراژها، سینماها، ترمینال‌های توبوس‌رانی، پارکها، باشگاه‌های ورزشی را
زیر نظر داشته تا مضمولین‌ها بی‌پیدا در این ماکن حضور دارند شنا ساسی و
دستگیر نما بند. "به موسسات غیردولتی ز قبیل کارخانجات، کارگاهها،
بنگاهها، مغازه‌ها و سایر ماکن که در حوزه استحفاظی آنان قرار دارند مراجه و
مضمولان‌ها بی‌پیدا که به کار گرفته شده اند دستگیر نما بند. "در سال جاری ترغیب
های دیگری در تکمیل این برنامه‌های پلیسی کردن سرکشو تحت عنوان
جبهه‌دانشگاه، با طرح دانش‌آموز-جبهه طراحی شده تا مشین جنگی رژیم
سوخت کافی داشته باشد و در ویرگردانی مردم از جنگ و کاهش نیروی انسانی است
فلجی که رژیم در جبهه‌ها نکرده. با اینحال از آن مقطع تا کنون رژیم علیه‌رغم
قربانیا ن فرآوان هیچ پیروزی جدی بدست نیاورده است. این درماندگی
رژیم در سال جاری آشکارا ز هروقت دیگری است.

پیام همبستگی کمیته خارج از کشور سازمان به حزب کمونیست ترکیه - اتحاد (TKPB)
بمناسبت سالروز کودتای نظامیان در ترکیه

رفقای عزیز:

گرم‌ترین درودهای انقلابی ما را بپذیرید.

یکبار دیگر در سالروز کودتای سپاه نظامی زوا بسته به مبریا لیسم در
ترکیه، همبستگی مبارزه جویانه خود را با شما اعلام می‌داریم.

این روزها طبقه کارگر قهرمان ترکیه با حرکات اعتصابی مبارزات خود،
قدرت عظیم و تعیین‌کننده خود را بنمایش می‌گذارد. طبقه کارگر ایران که خود
درگیر مبارزه با دیکتاتورسیه فقهی‌ها فقط مناسبات سرمایه‌داری ایران
است و بیشترین مدامت را در جنگ ارتجاعی فقهی متحمل می‌شود، با تمام نیرو از

ما مبارزه ایران کارگر خود در ترکیه حمایت می‌نماید. خلقها ایستاده ایران و
ترکیه در راه انقلاب خود برای آزادی ورها شای زستم سرمایه‌داری و مبریا لیسم
در کنار یکدیگر و شانه به شانه می‌روند و پیش می‌روند. وظیفه ما است که این پیوند
را هرچه عمیق تر ساخته و مسیر پیروزی را بگشاییم. در سالروز کودتای سپاه ترکیه
ما سراینه مبارزه و سرزمین شما را تحسین می‌کنیم.

مستحکم با دپیوند مبارزات خلقهای ایران و ترکیه!

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

کمیته خارج از کشور - ۱۳۶۶/۶/۲۲



انقلاب نیکاراگوئه و جنبش زنان

انقلاب نیکاراگوئه یکی از مواردی است که زنان در آن نقش بسیار مهمی ایفا کردند. زنان چه در جنگ چریکی که توسط پیشاهنگان انقلابی در یک دوره کوتاه تا ۱۹۷۹ انجام گرفت و چه در رقیام‌های توده‌ای در ماه‌های آخر که منجر به سقوط سوموزا گردید، حضور مستقیم و شرکت فعال داشتند. بعد از سال ۱۹۷۹، زنان تقریباً در تمام برنامه‌های که برای تحکیم دولت انقلابی و گسترش نفوذ آن طراحی شده بود، در سازمان‌های توده‌ای، در ریش برد فرم‌های اجتماعی و اقتصادی، در میلیشیا و گارد انقلابی شرکت جستند.

سازمان زنان یعنی انجمن زنان برای مقابله با مسائل ملی (AMNPRONAG) که بعداً پس از گسترش بیشتر به AMNLAC (انجمن زنان نیکاراگوئه، لوتی‌زآماندا اسپینوزا) تبدیل گردید نقش مهمی چه در وسیع‌سازی سازمان زنان در جهت دفاع از انقلاب و چه در جهت پیاده کردن طرح‌هایی برای ارتقاء موقعیت زنان در جامعه ایفا نمود.

AMNLAC برای دادن نیروی قاطع به زنان در برپا نگه داشتن انقلاب و شرکت دادن زنان در ادراک امور کشور و همچنین پیشبرد خواسته‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، بشکلی سازماندهی شده، اهداف زبرد را مقابل خود نهاد:

- ۱- دفاع از انقلاب: در جریان انقلاب، ۳۰ درصد نیروی جنگی (جبهه ساندینستی برای دفاع از انقلاب) و از جمله تعدادی از فرماندهان آن را زنان تشکیل می‌دادند. پس از انقلاب ابزار اصلی دفاع از انقلاب ارتش مردمی ساندینستی (EPS) بود که ۴۰ درصد نیروهای آن و ۶۰ درصد از افسران آنرا زنان تشکیل می‌دادند. شش زن (در مقابل ۳۰ مرد) به درجه فرماندهی چریکی نائل آمدند. زنان همچنین در سایر ارگان‌های دفاع از امنیت کشور حضور فعال داشتند.
- ۵- درصد کمیته‌های دفاعی ساندینستی (GDS) و ۸۰ درصد گارد انقلابی را زنان تشکیل می‌دادند.
- ۲- ارتقاء آگاهی سیاسی و ایدئولوژیک و مشارکت بیشتر: سازمان مرکزی برای بسیج سیاسی و آموزش، PSNL بود که در سال ۱۹۸۲ زنان ۲۲ درصد کل آن و ۳۷ درصد کادر رهبری آنرا

تشکیل می‌دادند. زنان همچنین در موقعیت‌های مسئولیت‌دار گمارده شدند. معاون ریاست شورای دولت زن بود و در سه مورد بعد از ۱۹۷۹ زنان پست‌های وزارتی کسب کردند. AMNLAC با اجرای طرح‌های ویژه، مشارکت زنان در سازمان‌های توده‌ای و اتحادیه‌ها و انجمن‌های کارگری و کشاورزی را بنحویچه‌گیری بالا برد. زنان که تا ۸۴-۱۹۸۳ تقریباً از انجمن‌های کارگران کشاورزی غایب بودند در نتیجه این تلاش‌ها در اواسط ۱۹۸۴، بیش از ۴۰ درصد انجمن‌های کارگران روستایی را تشکیل می‌دادند. در جریان نهضت سوادآموزی ۱۲ درصد معلمین را زنان تشکیل می‌دادند، در جریان آن ۱۹۶۰۰۰ زن در مقابل ۲۱۰۰۰۰ مرد سواد آموختند.

زنان همچنین در فعالیتهای بهداشتی شرکت چشمگیر داشتند. ۸۰ درصد از فعالین باریگاد‌های بهداشت و ۷۵ درصد آموزش‌دهندگان تجربی در این زمینه زنان بودند.

۳- مبارزه با نابرابری و تبعیض علیه زنان: پس از پیروزی انقلاب، با دخالت موثر AMNLAC یک سری اقدامات در این زمینه انجام گرفت. از آن جمله ممنوع نمودن استئمان‌رزان بعنوان کالای جنسی به اشکال مختلف بود. نماینده‌های AMNLAC در هیئت اصلی قانونگذاری یعنی شورای دولت، مسئول طرح، بحث و ارائه قوانین جدید بود. پس از انقلاب پیشرفت‌های چشمگیری در رکسب دستمزد برابر و مقابل‌کار برابر، کم کردن ساعت کار مردان، نظارت بر اجرای ۳ ماه مرخصی زایمان با حقوق کامل و نیز ملزم ساختن مردان به مشارکت در امور خانوادگی و مراقبت از کودکان از طریق قانون انجام گرفت.

۴- ارتقاء موقعیت اقتصادی و اجتماعی زنان: زنان بعد از پیروزی انقلاب نقش مهم و روزافزونی در اقتصاد نیکاراگوئه ایفا کردند. در سال ۱۹۷۱ زنان تنها ۱۷ درصد جمعیت فعال اقتصادی را تشکیل می‌دادند. این تعداد تا ۱۹۸۲ تا ۴۱ درصد افزایش یافت. AMNLAC دست به اجرای طرح‌هایی در زمینه ارائه شغل و کارآموزی از طریق گفورتیوهای تولید، بسیج برای کشت

قطعه زمینهای خانوادگی و نیز در حالت دادن زنان در اجرای تقسیم اراضی و در رکست خصوصی - کفو - براتیو و دولتی، زد.

از فعالیت‌های دیگر AMNLAC، بالابردن مشارکت زنان در تحصیلات متوسطه و عالی و تغییر الگوی اشتغال با گشودن عرصه‌های از فعالیت که زنان سنتاً از آن برکنار بودند، بود. تربیت پنج خلبان زن تا ۱۹۸۴ یکی از نمونه‌های این حرکت بود. اولین خلبان زن سید اگونزالس بود که خلبان جنگی شد و در سال ۱۹۸۴ هنگام انجام وظیفه در نبرد یکی جبهه جنگ کشته شد.

۵- ارزش نهادن به کارخانگی و ایجاد سرویس‌های نگهداری از کودکان: از آغاز زبید ایش AMNLAC تلاش قابل ملاحظه‌ای در بهبود و تغییر موقعیت زنان در خانه نمود. دیدگاه AMNLAC این بود که کارخانگی هم‌اشاراکی گردید و هم ارزش اجتماعی بیشتری بدان داد شود. علاوه بر آن مراقبت از کودکان نباید تنها به عهده زنان باشد بلکه دولت نیز باید ایجاد امکانات وسیع در آن سهم گیرد.

هرچند دولت با مشکلات اقتصادی حاد و دیگر بود، با اینهمه تا نیمه ۱۹۸۴، ۲۲ مرکز روروش کودکان با ظرفیت ۲۵۰ کودک در مناطق شهری و ۲۱ مرکز روستایی با ۱۶۳۱ کودک ایجاد گردید. علاوه بر آن مراکز ناها رخوروی برای کودکانی که کار می‌کنند و کودکان خانوادگی فقیر ایجاد شد.

فرم قانونی که با درگیری فراوانی به تصویب رسید، مشارکت مردان در امور خانوادگی و خانه را اجباری می‌کرد.

علیرغم اینکه ساندینست‌ها رهائی زنان را یکی از اهداف عمده خود قرار داده بودند، محاصره اقتصادی و جنگ تحمیل شده به‌ضد انقلاب بین‌شورشی منابع مالی و انسانی را که می‌باید در این راه صرف می‌شد بشدت محدود کرد. اما به‌رحال زنان نیکاراگوئه با تمام توانی که دارند با مشکلات ناشی از این وضعیت مقابله می‌کنند. آنها می‌دانند که تنها تادوم انقلاب است که قادر خواهد بود رهائی کامل زنان را تحقق بخشد و بین خاطر با تمام توان خود در این راه می‌کوشند.

کره جنوبی: قدمهای استوار طبقه کارگر

هنوز "حل" بحران کره آنطور که مطلوب نظر سیرا لیم آمریکا و یوروژای داخلی است، به سه سال مانده نرسیده که طبقه کارگر با آغاز موج پیرومندی از اعتراضات و حرکات کارگری پا به صحنه مبارزه می‌گذارد. در توافقات به‌جا نیه آمریکا، ژنرال‌های خاکم و پوزیسون لیبرال پیش‌بینی می‌شد که به پذیرش پاره‌ای عقب‌نشینی‌ها از سوی دولت نظای میان شرکت‌ها و لیبرال‌ها در قدرت یعنی با حفظ مواضع اصلی قدرت سیاسی در دست سرمایه‌داران، از تعمیق بحران جلوگیری عمل آمده و با انجام پاره‌ای اصلاحات قانونی، حکومت ترور نظای با اصلاح دموکراتیزه شود. به یک کلام فرمهای مورد نظر می‌بایست اشکال عربی سرکوب و بی‌حقوقی همگامی با سرکوب "قانونی" و دخالت‌ها در بخش‌ها ژاپنی پوزیسون در قدرت تعویض کند و در عین حال شرایط بقا و درآمدت مناسبات بهره‌کشی سرمایه‌داران را فراهم کند.

اما ورود طبقه کارگر به صحنه مبارزه در زمانی که معماران "دموکراتیزه کردن حکومت نظایان، خود را در آستانه پیروزی می‌پنداشتند و با پیروزی رأی بدست آمده تلقی می‌کردند، تصادفی نبود. کره جنوبی بعنوان یکی از بهترین نمونه‌های توسعه اقتصادی سرمایه‌دارانه کشورهای زیر سلطه، در واقع مدل این توسعه می‌باشد و در این کشور نیز توسعه اقتصادی به بهای استثمار روحشیا نه کارگران، بی‌حقوقی عمومی و سرکوب شدید حقوق دموکراتیک حاصل شده است.

با اصطلاح "معجزه اقتصادی" در کره جنوبی قبیل از هر چیز به بهای سرکوب و استثمار روحشیا نه کارگران حاصل شده است. کارگران کره‌ای با دریافت دستمزدی بسیار ناچهار (معدل یک هفتم تا یک دهم دستمزد متوسط کارگران آمریکا) در ازای کار هفتگی بیست و هشت ساعت، از حق داشتن تاحدیده‌های مستقل (بویژه تاحدیده‌های سراسری) و اعصاب محروم هستند. سرکوب حرکات کارگری، فقدان حقوق دموکراتیک و تبلیغات ارتجاعی و ضد کمونیستی تحت یکی زهاترین دیکتاتوریهایی نظای می‌همگی شرایط مطلوب سرمایه‌داران را برپا می‌دهد و انباشت سریع سرمایه را فراهم نموده‌اند. در اینجا آثار به‌نقش ما فوق‌ترجای سنتهای فئودالی و مردسالارانه نیز ضروری است. این سنتهای ارتجاعی که توسط سرمایه‌داران بسیاری از کشورهای خاور دور (نظیر ژاپن و کره) برای تشدید استثمار و تحمیل کارگران وسیعاً بکار گرفته می‌شوند از طریق گسترش روابط با اصطلاح خانواده‌گی بین‌کلیسه "کارکنان" مؤسسات اقتصادی (یعنی از جمله سرمایه‌داران) سنگ بنا و شکل‌های دست‌نشانده، کورپراتوارتجاعی کارگری را پیریزی می‌کنند، شکل‌هایی که خوشبختانه اکنون ماچ همسلاطین نهضت کارگری کره‌ای را در گرفته‌اند. طبقه کارگر

کره‌ای ما علیرغم سرکوب شدید و علیرغم تبلیغات ضد کمونیستی و ارتجاعی، در گذشته نیز یکی از ستون‌های اصلی مبارزه در این کشور بوده است. حقیقتی که مغفانه و آگاهانه توسط نشریات بورژوازی پرده پوشی شده است، اما تعداد نسبتاً زیاد زندانیان سیاسی کارگر که حدود نیمی از کل زندانیان سیاسی را شامل می‌شوند، گواهی بر این است. بنا بر این بی‌سبب نیست که ژنرال‌های خاکم برای دادن امتیاز به پوزیسون لیبرال، انجام اصلاحاتی در قانون اساسی برای انتخاب ریاست جمهوری از طریق رای‌گیری مستقیم، کنار گذاشتند. چون دوهوان از حزب خاکم و پذیرفتن نقش بی‌طرف و "فرا حزبی" از سوی ویتنام لیبرال‌ها در تشکیل یک حزب واحد امتیاز. دهی‌ها و دور هیبرال‌ها پوزیسون لیبرال را در جمله حذف شعار خروج نیروهای آمریکا از کره و وحدت دوحده عجب به خرج می‌دهند.

با شروع حرکات وسیع کارگری که اکنون نزدیک به سه ماه است ادامه دارد، فصل جدیدی در مبارزه طبقه کارگر رقم زده می‌شود. طی مدت دو ماه اول حرکات، بیش از ۱۶۰۰۰ اقدام کارگری صورت می‌گیرد. گاه تعداد حرکات همزمان به بیش از ۵۰۰۰۰ مورد می‌رسد. صدها هزار کارگر صنایع سنگین از قبیل کشتی‌سازی، اتوموبیل‌سازی، ابزارسازی، کارگران معادن، نساجی، صنایع الکترونیک، کارگران صنایع خدماتی، رانندگان اتوبوس و تاکسی‌های حمل و نقل با اقدام به اعتصاب، بی‌سابقه‌ترین قدرت نمایی طبقه کارگر را آغاز می‌کنند. بخش بزرگی از حرکات کارگری از اعتصاب و اعتراضات نشأ به شروع شده و به سرعت به تظاهرات خیابانی بست‌نشینی و اشغال دفاتر کارخانه‌ها ارتقاء می‌یابند. زدو خورد با پلیس ضدشورش و حتی جنگ خیابانی محدود از سوی پاره‌ای کارگران، پتانسیل مبارزاتی آنها را نشان می‌دهد. بکارگیری اشکال بسیار متنوع حرکات اعتراضی متناسب با ظرفیت بخش‌های مختلف طبقه کارگر، دولت "دموکراتیزه" شده ژنرال‌ها را در مقابل همبستگی میلیونی کارگران قرار می‌دهد. این در ابتدا به تازگی امتیازدهی و سرکوب محدود و حساب شده رو آوردند. وزیر کار کره در جمع کارگران به آنها وعده حمایت از خواسته‌هایشان و تدوین قانون کار جدید متناسب با درخواستهای آنها را می‌دهد و حتی به سبب میانجی‌گری موازمت‌دهی از امتیازدهی و عقب‌نشینی را به سرمایه‌داران تحمیل می‌کند. دولت "قانونی" و "بی‌طرف" ژنرال‌ها می‌خواهد تا حد امکان خود را بی‌طرف و حتی طرفدار خواسته‌های کارگران نشان بدهد. اما این تا کتیک عمر کوتاه می‌ماند. اولین پیروزی‌های جنبش کارگری، آتش حرکات دیگر و خواسته‌ها را لاتر را می‌فرزند. اکنون دیگر به معنای واقعی کلمه، طبقه کارگر به حرکت درآمده

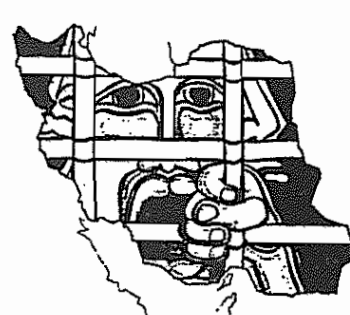
است. کارگران غیرا اعتصابی با الهام از پیروزی‌های کارگران دیگر به اعتصاب می‌پیوندند. پیوستن بخش‌های عقب مانده طبقه کارگر به جنبش اعتراضی، کارگران پیشرو بویژه کارگران صنایع سنگین به ارتقاء خواسته‌های خود دست می‌زنند و خواسته‌های پراکنده تبدیل به خواسته‌های واحد و همگامی به شعار عمومی شده‌ها و کارگران تبدیل می‌شوند: برچیده شدن سندیکا‌های دست‌نشانده، ایجاد سندیکا‌های مستقل، حق ایجاد تاحدیده‌های سراسری، افزایش دستمزد، بهبود شرایط کار، مزایای اجتماعی و غیره... و به این ترتیب تصویر یک اعتصاب عمومی کارگری شکل می‌گیرد. متعاقباً افزایش تاحدیده‌ها منجر به حرکات کارگری و سراسری شدن آن، دولت ژنرال‌ها دیگر نمی‌تواند مثل گذشته خود را بی‌طرف نشان دهد. با کشته شدن یک کارگر کشتی‌سازی بدست پلیس ضدشورش، تظاهرات بزرگداشت و به صحنه زدو خورد‌ها و خیابانی تبدیل می‌شود. زدو خورد‌ها شکی نیست که کارگران با بمب‌بازنی به مقابله با پلیس بر می‌خیزند. با متوسل شدن دولت به سرکوب صریح جنبش کارگری و "اخطار" ژنرال "چون" به "عناصراً خالاکر" ماسک بی‌طرفی ز چهره دولت، "دموکراتیزه" شده می‌افتد. درست در اینجا است که ضعف‌های اساسی جنبش کارگری کره جنوبی خود را نشان می‌دهد. این جنبش نمی‌تواند در محدوده خواسته‌های صنفی و ملی بسیار مهم - محصور بماند. رودررویی با سرمایه‌داران در کارخانه، وقتی که توسط میلیون‌ها کارگر اعتصابی صورت می‌گیرد معنای بجز رودررویی ناگزیر با پلیس ضدشورش ندارد. اما رودررویی با پلیس ضدشورش علاوه بر بمب‌بازنی و شکل‌های رزمنده کارگری به برنام‌های سیاسی روشن‌رور هیبرال کمونیستی نیازمند است. این ضعف بزرگ جنبش کارگری کره، با فقدان شکل‌های مستقل و شعارها و برنام‌های سیاسی است که مانع از تبدیل شدن نهضت کارگری به آلترناتیو قدرت سیاسی می‌شود و خود مهمترین عاملی است که می‌تواند دست ژنرال‌ها در مهار جنبش کارگری بدهد. لیبرال‌ها را در نفوذ در آنها زبکندارد. لیبرال‌ها می‌گویند که تا همین اواخر خود را به عنوان رهبران "پیگیر" خواسته‌های دموکراتیک جا می‌زدند، اکنون طرح خواسته‌های صنفی و دموکراتیک کارگران، آنها را به وحشت انداخته است. این وحشت لیبرال‌ها از بازی با آتش است. آتش‌کشی می‌تواند به "سوختن" همه چیز منجر شود و از این روست که آنها با سکوت در باره سرکوبی که اکنون هر روز بر علیه جنبش کارگری بکار گرفته می‌شود، همبستگی‌ها موش خود را به ژنرال‌ها به نمایش می‌گذارند.

کارگران کره جنوبی دوره مهمی از حیات سیاسی خود را آغاز نموده‌اند. دستاوردهای مبارزاتی آنها، علیرغم کاستی‌های مهم آن چشمگیر بوده اما راهی که باید پیموده شود نیز دشوار و طولانی است و بی‌شک در این مسیر بی‌تلاطم، مبارزات اخیر کارگران در آمریکا گواه نمودن آنها به منافع و به قدرت خود و زهمه مهمتر به ضرورت نبرد آنها، نقش بسزای دارد.

معرفی کانوها و تشکل های دموکراتیک

۱- بیست و دوم تیرماه برابر با ۱۳۷۷/۷/۱۹
 "کانون دفاع از حقوق زندانیان سیاسی ایران"
 در هامبورگ مراسم وابانام "شب همبستگی با
 زندانیان سیاسی ایران" برگزار کرد. این کانون که
 به تازگی به همت تعدادی از ایرانیان مهاجر و مترقی
 تأسیس شده، با این مراسم آغاز فعالیت خود را
 رسماً اعلام نمود. در این مراسم تعدادی از اهنگز-
 مند، ایرانی، آلمانی، شیلیایی و ترک با اجرای
 نمایشنامه، ترانه‌ها و سرودهای انقلابی و مردمی
 شور و شوق ویژه‌ای بوجود آوردند. این "شب" مورد
 استقبال شرکت کنندگان که در حدود ۲۰ نفر
 بودند، قرار گرفت. "کانون دفاع از حقوق زندانیان
 سیاسی ایران" - هامبورگ اخیراً "گزارش کوتاهی
 از فعالیت دیکتاتوری مذهبی در ایران" منتشر کرده
 و در تاریخ ۲۳/۷/۱۹۸۷ نیز به مناسبت سفر
 ولایتی جنایتکار روزبیرا مورخا رچه رژیم اسلامی به
 آلمان، نامه سرگشاده‌ای خطاب به مجلس اعلای
 آلمان انتشار داد. کانون در این نامه پس
 از افشای سیاستهای جنگ افروزان رژیم اسلامی،
 شکنجه و کشتار زندانیان سیاسی در ایران، ضمن
 محکوم کردن هرگونه مصالحه و معامله‌هایی که موجب
 تقویت رژیم ایران در ادامه جنگ، تدوین و گسترش
 و سرکوب مردم ایران و منطقه شود، از تمامی نیروهای
 ترقی و آزادیخواه آلمان "خواست" که با توجه به

گزارش که می‌آید:
 نجات دیکتاتوری بی‌دایران



کانون دفاع از زندانیان سیاسی ایران
 ۸۷.۷.۱۳

عواقب خطرناک چنین مصالحاتی برای منافع دواز
 مدت ملت در ویرانیش آلمان، دولت متبوع خویش
 رابه مسئولیت حمایت از رژیم ایران متوجه سازند.
 آدرس کانون دفاع از زندانیان سیاسی ایران -
 هامبورگ: PLK 101793 c
 2000 Hamburg 70

۲- جمعیت کمک به پناهندگان ایرانی
 مقیم آلمان فدرال که به تازگی توسط پناهندگان
 ایرانی مقیم کورباخ (KORBACH) آلمان
 فدرال باهدف کمک و همیاری بخاطر رفع مشکلات
 یکسان ویک نوع پناهندگان در حال و آینده تشکیل
 شده است، طی نامه‌ای به تاریخ ۲۵/۷/۱۹۸۷ به
 هیئت تحریریه نشریه راه کارگر درخواست کرده
 است که اخبار و گزارشاتی را که مستقیماً در رابطه با
 مسائل پناهندگان می‌باشد در اختیارشان قرار
 داد شود.

۳- آلمان - "کانون حمایت کارگران"
 Arbeiterwohlfahrt که یک نهاد
 آلمانی است و مرکز آن در برلین قرار دارد، در ارتباط
 با پناهندگان نیز اقدامات مفیدی انجام می‌دهد.
 از جمله اخیراً کتابچه‌ای وابانام "اطلاعات لازم برای
 تقاضا کنندگان پناهندگان سیاسی در آلمان فدرال
 و برلن غربی" بزبان فارسی منتشر نمود که حاوی
 مطالب مهم و ضروری است. این کتابچه مجانی بوده
 و آنرا می‌توان از شعبه‌های همین کانون در شهرهای
 مختلف آلمان بدست آورد.

Arbeiterwohlfahrt
 Bundesverband e.V., Bonn



Hinweise zum Asylverfahren
 PERSISCH
 این جزوه مجانی میباشد
 Diese Broschüre ist kostenlos

اطلاعات لازم برای تقاضا کنندگان پناهنده
 سیاسی در آلمان فدرال و برلن غربی

از آنجا که نشریه "پیام کارگر" ارگان کمیته
 خارج از کشور سازمان وظیفه‌ای خاصی رساندن به
 تشکلهای دموکراتیک پناهندگان را برعهده دارد
 این نامه در اختیار تیم کارگر قرار گرفته است.
 مایک نسخه از هر شماره پیام کارگر را برای شما
 خواهیم فرستاد، همانطور که به سایر تشکلهای
 دموکراتیک پناهندگان ایرانی می‌فرستیم. متقابلاً
 شما نیز خبرنامه‌ها و اطلاعات خودتان را برای
 پیام کارگر بفرستید.
 آدرس "جمعیت کمک به پناهندگان ایرانی"
 مقیم آلمان فدرال: Postfach 150 b
 3540 Korbach B.R.D

۴- گروهی از دانشگایان سابق ایران
 اخیراً نشریه‌ای بنام "کاشگر" منتشر کرده‌اند.
 "کاشگر" که هر سه ماه یکبار منتشر خواهد شد، در
 مطلب کوتاهی تحت عنوان "آغاز سخن، اهداف خود را
 چنین توضیح داده است: "انتشار فصلنامه‌ها و کاشگر
 آغاز تزلزل است در راستای بررسی موشکافانه از
 جنبش دمکراتیک میهنمان در سالهای اخیر، بسا
 تا کیدی مشخص بر مبارزات دانشگایان و جایگاه خاص
 دانشگایان در این جنبش، و این خود به این بیان نه که
 با این مقوله‌آشنائی والفتی افزونتر داشته‌ایم
 آدرس "کاشگر": KAAVOSHGAR
 I.U. P.O. BOX 3016
 NEW YORK, NY
 U.S.A 10027

شماره ۱
 کاشگر
 بهار ۱۳۶۶
 نشریه گروهی از دانشگایان سابق ایران

در این شماره می‌خوانید:

آغاز سخن	۲
نامه سرگشته جمعی از دانشگایان سابق ایران	۳
به جامعه روشنفکری خارج از کشور	۱۳
مروزی پیمان‌زاد دانشگایان ایران	۲۳
یلدای خوئین دانشگاه	۲۷
تاریخچه مبارزات دانشگایان ایران	۵۳
نقش شوراهای آموزشی در دانشگاهها بعد از قیام بهمین	۶۵
آموزش سنتی در ایران	۹۶
کرونولوژی	

۵- انجمن پناهندگان سیاسی - اشتوتگارت که سابقاً
 نشریه‌ای تحت نام "پناهنده" منتشر می‌کرد، از شماره
 پنجم آن اسم نشریه را به "گانه‌ها" نام نهاد. انجمن
 پناهندگان سیاسی ایران "تغییر داده است. شماره
 پنجم نشریه انجمن که تا ریخ تیرماه ۶۶ در ادرا و ی
 مطالب زیر است:
 سرمقاله: انجمن یکساله شد، نوشته‌ای از برشت،
 اخبار پناهندگان، شعرا، مروز، اخبار ایران، گزارش
 از وضعیت پناهندگان، بایرن، داستان در خانه
 ویرانم، گزارش فعالیت‌های هنری انجمن و...
 بقیه در صفحه ۱۵

ان گل سفید بزرگ رز

از نویسنده مبارز کوبائی Joel Franz Rosell

کسی که این قصه را برای من تعریف کرد جغد بود،

آن موقع او نه عینک داشت و نه خیلی باسواد بود، چرا که او قبلا درس زیادی نخوانده

بود، اما در حافظه خویش بخوبی تاریخ گیاهان و حیوانات را حفظ کرده بود.

او ابتدا برای من این چنین شروع کرد، در زمان های گذشته "قوش"

نوکش راست و برای راستگویی ساخته شده بود، اما از میان آن دروغهای

بیشماری بیرون می آمد، نه برای آنکه قوش همچو طوطی خوش می آمد تنها چیزی

بگوید، بلکه او می خواست به همه چیز صدمه بزند و تمام کاسبرگ های گل های رز را

بخورد. و از آنجا شیکه توانسته بود سنجاقکها، مورچه ها، کرم ها، زنبورها،

حلزون ها و پروانه ها را فریب دهد، موفق شده بود تمام می گل های رز آنها را بخورد. سپس او خواست

گل رز بزرگ سفید شنبیره های آتشین را بخورد. اما نوکش دیگر شروع به کج شدن کرد و شنبیره های آتشین این موجودات

سرافراز با بدنهای و بالهای سیاه گول قوش را نخوردند. نه، آقای قوش، گل رز ما بزرگ است، آزاد است، شیرین است، در روز عطرها خوشبو می پراکند

و در شب می درخشد. او شمع وجود ما و ملکه و قلب سرزمین شنبیره های آتشین این موجودات با بدنهای درخشان است.

قوش خشمگین شد و سراغ جیرجیرکها که همسایه شنبیره های آتشین بودند رفت و به آنها گفت، آن شنبیره ها به شما می خندند آنها می گویند

جیرجیرکها به تصنع می خوانند و مرتب غر می زنند و آنقدر نگرند و خرفت اند که گل رز شان ربوده شده است.

قوش تمام می این دروغها را با دهانی گفت که تصور می رفت تنها حقیقت را می گوید. او به جیرجیرکها گفت که شنبیره ها می گویند شما تنبل و

کم کارید و آن خط که مرز نامدار دینا درستی کشیده شده بطوریکه گل رز شما اکنون در سرزمین شنبیره های آتشین قرار دارد.

جیرجیرکها تمام می دروغهای قوش را با و رکوردند و به همسایه های پاک و درست خویش اعلام جنگ کردند.

جنگ سخت و طولانی شد چرا که جیرجیرکها زیبا دبودند

و قوش را در کنار خود داشتند و شنبیره های

آتشین بسیار شجاع بودند و حق را در کنار

خویش داشتند، آنها حاضر نبودند برای

گل رز سفید بزرگ تا آخرین سال و

آخرین اشعه سبز بدن خود بچنگند اما

شنبیره های آتشین مجبور بودند

تقسیم شوند تا با همگی همسایه های

خویش بچنگند و همزمان از گل رز

خویش نگاهبانی کنند. جیرجیرکها به

سرزمین آنها می که چشم نشان میدرخشد

راه پیدا کردند و قوش از ضعف چنگها یش را

بهم میساید، بزودی آنها شکست خواهند

خورد، بزودی گل رز آنها مال من خواهد شد!

ناگهان سنجاقکها، مورچه ها، کرمها و پروانه ها

همگی با هم تصمیم گرفتند:

— بگذار این گل رز سفید بزرگ را تحت دهم (بگذار

او را به ستارگان ببریم، به سرزمینی که هیچکس او را نتواند

برباید، دور از قوش و جیرجیرکها، آنجا که تنها موجودات متحد

خوایند توانست بال گیرند. پس آنها با بالهای نو را زمین رویتشان

زنجیری به ستاره ساختند و گل رز را به آنجا بردند و از آن لحظه گل رز

برای همه نور و رایحه دلپذیر بود. از آن روز دیگر جیرجیرکهای شکست

خورده ترانه های خویش را فراموش کردند و اکنون تنها غرگنان در تمام

طول شب من من می کنند و به روز از جنگ قوش نوک کچ دروغ می گریزند که

تنها خود را با خوردن آنها سیر می کند. اما دیگر کسی فریبش را نمی خورد.

امروز نوکلهای روئیده در همه جا گسترده است. شبنم بذر آنرا با خود آورد

و آن موجودات کوچک که "زفیق" گشتند به گشتن همت گماردند، اما قوش

جرات آسیب رساندن به آنها ندارد، حتی جرات بیرون آمدن در شب را

ندارد، چرا که او از شنبیره های آتشین وحشت دارد. نگاهبانی با بدنهای

سیاه که ما را ملکه دارند همچو قلب درخشان بر بالها و در وجودشان و از

بسیار بسیار دور و شب بر زمین نور می پاشند.

برگردان از بهرام مزدک نیسان

با پیام کارگر همکاری کنید و برای آن بنویسید!

کمونیستی و تبلیغ دستاورد های آن، دفاع از جنبش صلح، پشتیبانی از جنبش جوانان و ... به گزارشات، مقالات، اسناد، نقدها، آثار هنری (شعر، عکس، طرح و ...) نیاز دارد. صفحات پیام کارگر رهبریک از این زمینهها نوشته ها و آثارتان با زاست.

اساسی خود یعنی افشای ماهیت و عملکرد های رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی، طرح مطالبات و مشکلات ایرانیان مهاجر و کج به سازماندهی جنبش آنها، پشتیبانی از اتحاد عملهای انقلابی و دموکراتیک نیروهای ترقیخواه، تبلیغ و معرفی هنر پیشرو، دفاع از جنبش جهانی کارگری و

رفقا و دوستان مبارز!

"پیام کارگر" برای پیشبرد بهتر وظایف خود به همکاری و کمک شما نیازمند است. واضح است که محتوای نشریه ما و طبع اشکال عرضه آن نیز به نوبت یک رابطه زنده و متقابل میان ما و شما نتیجه مطلوب بسیار خواهد آورد. "پیام کارگر" در چهار رچوب وظایف

گزارشی از موقعیت پناهندگان ایرانی در پاکستان

بعد از حمله‌ی مزدوران جمهوری اسلامی به آنان

مطلبی که در زیر می‌خوانید، گزارش کوتاهی است از آخرین تغییر و تحولات سیاست‌های رژیم جمهوری اسلامی، دولت پاکستان و نهاد پندگی سازمان ملل متحد در قبال پناهندگان ایرانی.

سیاست‌ها و اهداف رژیم جمهوری اسلامی در مورد پندگی رژیم اسلامی ایران برای مقابله با پناهندگان و پوزیسیون مترقی از مدتها قبل سیاست تشدید کنترل بر روی نوار مرزی از یک طرف و سازماندهی اقداماتی علیه نیروهای مخالف ایرانی در پاکستان را از طرف دیگر در پیش گرفته است. کنترل مرزها توسط عناصر جاسوس، نقل و انتقال بسیج عشایر از جنوب به شمال، گردآوری اطلاعات و اخبار از فعالیت نیروهای مخالف، روندتکامل کمی خود را طی نموده و در مسیر حرکت خود، هم‌اکنون به یک نقطه کیفی در اقدامات جنا پتکارانه رژیم علییه پناهندگان تحول یافته است. رژیم جمهوری اسلامی برای رسیدن به این هدف‌ها از ابزار و مکانسات مناسبی که در اختیارش بود سود جست است. بطور ویژه می‌توان از جریانات و گروههای ارتجاعی و ضد انقلابی افغانی و همچنین شیعیان و اسپنگرایی پاکستان خصوصاً جریان موسوم به "سازمان دانشجویان ابا می" نام برد. از آنجا که وضعیت عینی سیاسی موجود در پاکستان بلحاظ رژیم اسلامی از حساسیت برخوردار است، انرژی و سرمایه گذاری رژیم در این منطقه نیز با بعد قابل ملاحظه‌ای پیدا کرده است. چراکه امروزه پاکستان بعنوان یکی از مکان‌های تجدید آرایش نیروهای سیاسی ایرانی، محلی برای ورود و خروج این نیروها و پناهندگان و کانونسی برای افشاکری علیه رژیم از یک طرف و وجود تحرک و جنبش در شیعیان پاکستان بعنوان یکی از اهداف صدور انقلاب اسلامی از طرف دیگر، در معادلات رژیم اسلامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شده است. در مقابل و توجه به این وضعیت است که مشکینی مرتب به نیروهای مذهبی ارتجاعی در پاکستان رهنمود می‌دهد.

رژیم بدنبال گردآوری اطلاعات و سازماندهی نیروهایش ابتدا در ۲۶ آوریل به تحمیل پناهندگان در مقابل نما پندگی سازمان ملل (U.N.) توسط مزدورانش حمله کرد. این اقدام قدرت بسیج و سازماندهی جنا پتکارانه رژیم را بخوبی نشان داد. پس از این حرکت نمونه‌های دیگری از جمله سید پاشیدن بر روی پناهندگان و وزیر گرفتن دوستن از

آنان بوسیله ماشین نیز دیده شد. در مسیر این اقدامات حمله، مسلحانه دقیقاً سازمان نیافته به تعدادی از خانه‌های پناهندگان در کویته و کراچی که منجر به کشته و مجروح شدن تعداد زیادی از پناهندگان گردید، نشان از ارتقاء روشهای جنایت پیشگی رژیم برای مقابله با پناهندگان و نیروهای سیاسی داشت. اقدامات رژیم جمهوری اسلامی علیه پناهندگان و نیروهای سیاسی پس از یک دوره کارتر در کارتهای و شناسائی اساساً دو هدف زیر را دنبال می‌کرد: الف - محدود، (یا حتی) نابود ساختن گروههای سیاسی مخالف. ب - عقب راندن پناهندگان و ایجاد رعب و وحشت در میان آنان.

اگر در رابطه با محور اول رژیم موفقیت چندانی بدست نیامده است، اما در رابطه با ایجاد ناآرامی و فضای وحشت، می‌توان گفت رژیم تا حدودی موفق شده است. گوا اینکه در رابطه با محدود نمودن نیروها نیز پس از کشف سلاح نزد مجاهدین توسط پلیس پاکستان، در مورد جدیدها هدف افزایش فشار بر این فعالیت گروههای سیاسی خواهد بود. البته باید اضا کرد که رژیم در پاکستان در مقابل عساکر عراق و ترکیه برای سازماندهی اقدامات سرکوبگرانه از وضعیت مناسبتری برخوردار است. چنانکه دیدیم، تا بحال سازماندهی حمله‌های مسلحانه‌ای با این ابعاد علیه مخالفین خودی در یک کشور دیگر بر سر ای جلوگیری و مانع از گسترش فعالیت آنها بیسابقه بوده است.

برخوردهای رژیم پاکستان:

با توجه به اینکه رژیم پاکستان و ایران دارای یکسری منافع مشترک و تفاذهای معینی هستند، موضعگیری دولت پاکستان با زتاب عینی این رابطه است. رژیم پاکستان از یک طرف با شیخ نشینها و عراق رابطه حسنه دارد، از طرف دیگر در سرکوب بلوچها و یکسری قراردادهای اقتصادی دارای منافع مشترک با جمهوری اسلامی است، از سوئی با شیعیان پاکستان تفاذهای معینی دارد و از قدرت گیری آنها در وحشت است و از سوی دیگر از تان شیر مبارزات نیروهای سیاسی ایرانی بر روی نیروهای پاکستان در هر دو سوی می‌باشد. این مجموعه متناقض باعث میگردد رژیم پاکستان اعلام کند که اگر شتابت شود دست ایران در حمله‌های مسلحانه در کار رنوده علیه آن اقدام خواهد کرد. در حالیکه خود را مقید می‌داند مرتب از حمله رابطه‌ی برادری با ایران سخن بگوید. وزارت

خارجه پاکستان و سایر مقامات دولتی نیز مطرح می‌کنند که پناهندگان را به ایران مسترد نخواهند کرد. در عین حال اجازه فعالیت سیاسی نیز به آنان نخواهند داد. (خبر اسکان دادن پناهندگان ایرانی در اردوگاهها که در همین شماره نشریه درج شده است، در این مورد شایان توجه است.)

برخورد نما پندگی سازمان ملل (U.N.):

در رابطه با حمله مسلحانه رژیم اسلامی ایران بر خوردی غیر مسئولانه و "سکوت" معنی دار نمود. این اقدام جنا پتکارانه را محکوم نکرده و در عوض از مذاکره با پناهندگان و پناهندگان سرساز زده، تشکل آنان را تحریم کرده و بر سمیت نشانخت. به با زرسی خانه‌های پناهندگان از جانب پلیس اعتراض نکرده و در مقابل افزایش محدودیتها علیه پناهندگان از جانب پلیس پاکستان، از آنان خواسته است که در خانه‌های خود مانده و بیرون نیابند!

بدیهی است که در چنین شرایطی اگر مقامات و مست موشری از طرف پناهندگان سازماندهی نکرده و راههای متنوعی برای فشار و نقشه‌ها بر رژیم جمهوری اسلامی در پیش گرفته نشود، احتمال میرود که حمله‌ها و تعرضات دیگری از طرف او با شان جمهوری اسلامی علیه پناهندگان صورت گیرد. توضیح این نکته بی‌بهره و ضرورت دارد که حملات رژیم منتهوجه یک گروه خاص است و نه اینکه متوقف خواهد گردید. سیاست رژیم اعمال فشار و اتخاذ تاکتیک‌های تروریستی برای متوقف کردن فعالیت نیروهای پوزیسیون و عموم پناهندگان است. بنا بر این لازم است که با توجه به مجموعه اوضاع و احوال کنونی تاکتیک‌های مناسب انتخاب گردد. و از هرگونه حرکت شتابزده و تند که فراطراز ظرفیت مبارزات پناهندگان است اجتناب گردد.

تلاش برای جلب همکاران و همکاران می‌نیروهای مترقی پاکستانی و درج مقالات افشاگر در مطبوعات پاکستان میتواند کمای موشری برای مقابله با سیاست‌های رژیم جمهوری اسلامی باشد. از طرف دیگر سازماندهی سیاسی و کانونسی پناهندگان و تشکل‌ها و همکاری تیک در اروپا و آمریکا و طیفه‌داران و همکاران خود بهره بگیرند تا افکار عمومی ترقیخواه را علیه توطئه‌ها شیکه از طرف رژیم جمهوری اسلامی و رژیم پاکستان متوجه پناهندگان ایرانی در پاکستان است، جلب کنند. ما بنویسیمی خود ما ده‌ه‌نوع همکاران را بنویسیمی هستیم!

پاکستان - کراچی :

اسکان پناهندگان ایرانی در اردوگاهها

شود که ، شواهد متعددی از همکارهای پلیس پاکستان با پاسداران رژیم اسلامی با زکذاشتن دست آنان در اجرای توطئه های جنايتکارانه اخيرشان وجود دارد . حمله پاسداران و مزدوران رژيم اسلامی ايران ، با انواع سلاحهای گرم مثل مسلسل نارنجک ، آرمبیجی و ... به تعداد زیادی خانه در یک زمان در دوشهر مهم پاکستان ، که خود حکایت از خیلی چیزها دارد ، از یکطرف و با بیجا بیهوش کردن کارکنان رژیم اسلامی در قتلعه های "قارنا" ، "قلاتن" و غیره از طرف دیگر ، سیاست اسکان پناهنده بی شماری پناهندگان ایران را در اردوگاهها به یک امر خطرناک و حساسیت برانگیز تبدیل می نماید که محافظان بشردوستانه سازمانهای مترقی بویژه پناهندگان روسا و نمایانها سیاسی ایران نباید بی دلبسته سادگی زکنا رآن بگذرند .

اخبار رسیده از کراچی حاکی است که دولت ارتجاعی پاکستان برای تکمیل کردن بندوبست های جنايتکارانه خود با رژیم اسلامی ایران ، قصد دارد پناهندگان ایران را در اردوگاهها اسکان دهد . این اقدام دولت پاکستان که بعد از حملات مسلحانه تروریست ها و مزدوران رژیم اسلامی پناهندگان ایرانی و کشته شدن تعدادی از آنها صورت میگیرد ، ظاهراً برای حمایت از پناهندگان صورت میگیرد . اما در واقعیت امر این چیزیه جز به اجراء آمدن سیاستهای ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی ایران محدود کردن تحرک و فعالیت مخالفین سیاسی ، زندانی و بزه کردن پناهندگان نوجوع آوری آنها بعنوان طعمه تروریستهای خمینیست در یکجا ، بدست دولت ارتجاعی پاکستان ، نیست . این سیاست بویژه زمانی حساسیت برانگیز می-

دعوت به تظاهرات علیه جنگ ایران و عراق

آلمان فدرال - گوتینگن : "کانون مستقل پناهندگان سیاسی - گوتینگن" با ارسال نامه ای به کانونها و تشکلهای دمکراتیک پناهندگان ، کمیته های دفاع از زندانیان و کلیه سازمانهای سیاسی مترقی ایرانی و آلمانی ، دعوت کرده است ، تا با همکاران همدم تظاهراتی را علیه جنگ نکند . با ربین دولتهای ارتجاعی ایران و عراق برگزار نمایند . کانون گوتینگن در نامه خود خواسته است که با تاکید بر جنبه های عمومی و صرف نظر کردن از جزئیات غیر ضروری و غیر عمده ، تلاش شود که در ضمن کوتاه از احداث کشتوان و انرژی برای برگسزاری تظاهرات استفاده گردد . آنها همچنین شهرین را به دلیل تمرکز سائتهای جمعی ، محل برگزاری تظاهرات انتخاب کرده و همراهان ما خود متنبه پیشنهادی برای تظاهرات را ضمیمه نموده اند و از کلیه کانونها و سازمانها خواسته اند که تا یک هفته آگهی خود را از طریق نامه به آدرس : POSTFACH 3506 D - 3400 Göttingen و یا با تلفن ۳۳۳۰۲۸ - ۵۵۱ (مجید) اطلاع دهند . تاریخ پیشنهادی برای برگزاری تظاهرات روز شنبه ۱۹۸۷/۹/۲۶ ساعت ۱۱ صبح است .

قتل کیومرث جوادی را محکوم می کنیم!

اینکار را بنا به مروج جامعه ای انجام دادند که در آن مالکیت بالاترین ارزشهاست . برای حفظ این مالکیت کارمندان بانک حتی جان خود را در مقابل دزدان مسلح بخطر می اندازند . انسانها بخاطر یک خراش کوچک جرروی ما شینشان به جان یکدیگر می افتند و پدران شجاع خانواده و پلیس ها با هفت تیریا دزدان جوان مقابل می کنند . تیلورا این تفکر مالکیت هرروزه در فروشگاهها و سوپرمارکتها دیده می شود .

واقع در دناک و دلخراش کشته شدن جوان پناهنده ایرانی بدست عده ای زکارکنان فروشگاه مواد غذایی در آلمان موجی از اعتراضات و تظاهرات در میان ایرانیان و نیروهای بشری - دوست آلمانی برانگیخت . منکلمی توان مرگ جوادی را نتیجه تخاص شخصی یک کارمند فروشگاه دانست و سیاست زوری احساس صدخارجی که هر روز توسط احزاب بدست راستی در میان جوانان و مردم اروپای شمالی زده می شود گذشت ، همانطور که علامیه رفقای ما در فرا نكفور ت بیان می کنند ، اگر چه فاشیم و نژاد پرستی در هیئت "دولت نازی" سالهاست که مدفون شده و همین چند روز پیش آخرین با زمانده این توحش ننگین مدرن "هن" به زیر خاک رفت ، اما در بستر بحرانهای مزمین نظام سرمایه داری جها نی که ذاتی آنست و با گسترش و تعمیق آن ، هرروزه بصور جدید تر و مدرن تر اما ل ریگان ها ، اشتراکسها و بعنوان محافظان حاکمه بعضی کشورهای امپریالیستی با تولید گشت و قربانیان جدیدی از بشریت تحت ستم میگیرد . این احساس و در که عمومی نیروهای دموکرات ایرانی و خارجی از این واقعه تکان دهنده است .

یک پناهنده غنائی خودکشی کرد!

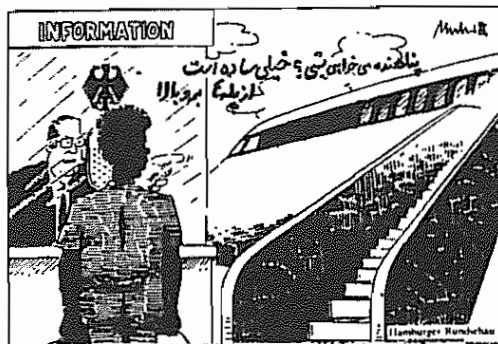
آلمان فدرال - زاربروکن
یک پناهنده اهل کشور غنا ساکن زاربروکن در مراجه به سوسیال (اداره اجتماعات) محل اقامت برای دریافت پول ، با مسئولین که از برداخت پول قبل از پایان ماه به او خود اکی کرده بودند درگیر شده و پس از خروج از دفتر در توالست سوسیال خود را حلق آویز کرد . سوسیال پلیس سعی کردند خبر خودکشی پناهنده را مخفی نگه دارند اما جریان حادثه توسط سایر پناهندگان علنی و افشاء شد . (نقل از خبرنامه شماره ۵ متقاضیان پناهنده گی سیاسی و ستدوالدکرایز)

در فروشگاهها حتی احتیاج به تعیین جایزه برای کسانیکه دزدی را دستگیر کنند نمی باشد ، چه بر اساس این تفکر ، فروشندهگان تجا وز به مالکیت خود می دانند .
ما از همه نیروهای مترقی ایرانی و خارجی دعوت می کنیم که با هوشیاری بیشتر به جریان رشد فعالیت های ضدخارجی در کشورهای اروپای شمالی برخورد کنند . ما باید بتوانیم با مشکل شدن در تشکلهای دموکراتیک از حقوق خود در برابر تشکلهای فشا رهای جریان راست مقاومت کنیم . و در برابر جنایاتی از این دست ، با قذرت با یمتیم و دست به اعتراض رژیم .

به همین مناسبت از سوی کانون پناهندگان سیاسی ایرانی در برلین غربی اعلامیه های متعددی انتشار یافته است ، در یکی از این اعلامیه ها ، به نقل از یک روزنامه آلمان T A Z آمده :
"اگر تمام اجناسی را که جوادی می خواسته در سید خریدش ظاهراً از فروشگاه خارج کند ما سه کنیم به این نتیجه می رسیم ، که ارزش جان یک انسان نزد ما چقدر است ، فقط ۵۷۰۰۰ مارک و بیست و پنج فنیک و شایدهم ۳۸ مارک ۵۷۰ فنیک بوده است . بخاطر این ، کارمند فروشگاه آنقدر گلوی جوادی را فشار میدهد تا او به حرکت بر روی زمین بیفتد . آنها که او را کشتند ، می خواستند وحشیگری و غیر انسانی بودن خود را نشان بدهند و واقعاً بنظور نیز هستند . اما آنها

یک پناهنده هندی با زگردا نیده شد!

آلمان فدرال - رنرود
یک پناهنده هندی در "رنرود" پس از ۲۲ ماه اقامت در آلمان به دستور قاضی آزاد اقامت محروم و از طریق فرودگاه فرا نكفور ت به هندوستان برگردانده شد . ماه قبل نیز سه پناهنده گامبیایی به همین نحو اخراج و با زگردا نیده شدند . (نقل از خبرنامه شماره ۵ متقاضیان پناهنده گی سیاسی و ستدوالدکرایز)



هفته

همبستگی

با خلق

شیلی



چهارم سپتامبر آغاز هفته همبستگی با خلق شیلی است. در چهارم سپتامبر ۱۹۷۳، جبهه اتحاد مردمی (Unidad Popular) و در رأس آن سالوا دور آلنده با یک انتخابات عمومی در شیلی بر سر کار آمد. این حکومت که سه سال بحران و بیفرزای زونشیب را شاهد بود سرانجام در ۱۱ سپتامبر ۱۹۷۳ با کودتای خونین پینوشه سقوط کرد.

بلافاصله پس از تشکیل دولت اتحاد مردمی، تمامی اقدامات آن برای بهبود زندگی مردم و رفاه کارگران و دهقانان و سایرین جهت گزینش با اقدامات کارکنان نه بورژوازی که از حمایت کامل سرمایه جها نی برخوردار بود و بر ویر و گردید. هر چند سرمایه داران و عمال آنها قاطعانه و بی‌تزلزل در تمام جنبه‌های حیات اقتصادی اخلاقی کردند، حکومت آلنده که می‌کوشید همچنان خوشبختانه به معیارهای دموکراسی بورژوازی وفادار بماند با آنها بی‌امتنی رفتار می‌کرد. اعتماد سراسری حمل و نقل در اکتبر ۱۹۷۲ که فعالیت اقتصادی را با ایتما می‌فلج کرد از نمونه‌های عمال کارکنان نه بورژوازی در دولت آلنده بود.

سنت دیرپای دموکراسی بورژوازی در شیلی و انس گیری سازمانها و احزاب چپ با فعالیت قانونی و هراس از اعمال قهر و قاطعیت انقلابی و با وره استقرار سیستم سوسیالیستی بطریق باطل عوامی بود که سبب شد تا امپریالیسم جها نی بتواند به آنها نیز مینه سقوط حکومت آلنده را فراهم آورد. در این میان خرده بورژوازی آشکارا جانسب

بورژوازی گرفت و نقش عمده‌ای در سقوط حکومت آلنده ایفا کرد. اظهارات زنارنا قشارمیان بر علیه رژیم آلنده صحنه‌ها و بیایدما ندنی و درس آموزتاریخ شیلی هستند.

حکومت نظامی پینوشه تنها با کشتار و ایجاد رعب و وحشت توانست به مقابله با طبقه کارگر و دهقانان و زحمتکشان شیلی که از آگاه طبقه‌ای نسبتاً بالایی برخوردار بودند برخیزد. با ورساده گریا به رژیم آلنده به دموکراسی بورژوازی و باز گذاشتن دست و پاها و مزدورانش بقیامت گرانسی بپای خلق شیلی تمام شد. هزاران عدا می، هزاران سره نیست شده و دهها هزار زندانی و ۱۴ سال حکومت سیاه مرگ و شکنجه نمراین اشتباه تاریخی بود. با بر سر کار آمدن حکومت دیکتاتوری پینوشه بحران اقتصادی روز بروز عمیق تر گردید. هداست اقتصاد در راستای منافع سرمایه جها نی و تخصیص بیش از ۴۵ درصد بودجه کشور به تسلیحات و مخارج سروس‌های امنیتی، روز بروز اقتصاد کشور را به ویرانی کشانده است. شیلی یکی از مقروض ترین کشورهای جهان است. بحران اقتصادی، بیکاری، فقر و محرومیت در زیر چنگ های خونین رژیم سرگورگ بحران سیاسی را پیش از پیش دا میزده است. نارضایتی عمومی، ترمیم و بازسازی اتحادیه‌ها و سازمانها و احزاب چپ و مترقی، هر چند هنوز تعداد قوارا بنبغ نیروهای انقلابی برهسم نژده، باعث تغییرات اساسی در عرصه سیاست شیلی گردیده است. این امر امپریالیسم جها نی و نیز بورژوازی را خلیرا به تکیا و با داشته‌ها برای جلوگیری از تکرار یک نسا را گوشه دیگر به چاره

اندیشی برخیزند. این تنها محرک امپریالیسم درانتقاد به حکومت پینوشه و تکیا بر ویرانی فتن یک آلترنا تیو " دولت آشتی ملی " مانند آرتا نین و فیلیپین است. سفر با به شیلی در ماه آوریل به منظور با فتن چین را حل می‌نمایند.

اما چنین راه‌حلی نمی‌شود زیرا ممکن نیست امپریالیسم یکی از موانع این موجودیک چپ نسبتاً قدرتمند و تاشیرا در تشدید قطب بندی طبقه‌ای در شیلی است. نیروهای چپ شیلی هر چند نتوانستند گرا بشارت لیبرالی خرده بورژوازی را خنثی کرده و تعداد قوارا بنبغ نیروهای انقلابی بطور قاطعی بر هم زنند، ولی گمان ما نبع عمده‌ای بر سر راه یک آلترنا تیو ائتلاف لیبرالی می‌باشد.

در چنین شرایطی امپریالیسم جها نی که امکان به حمایت خود از رژیم پینوشه ادا می‌دهد و ایسن در حال است که پینوشه با تغییراتی که در قانون اساسی داده، خیا لدا ردها قلاتا سال ۱۹۹۷ همچنان خون بریزد.

طبقه کارگر شیلی ما با درس آموزی بزرگ از دوره حکومت آلنده که همانا توجه اکید به کسب قدرت سیاسی و خلق بدکا ملای زفدا انقلاب بورژوازی است ما رزه بزرگ خود را سازمان می‌دهد. ما به همراه طبقه کارگران ایران و همه مردم ترقیخواه و دموکرات جهان در هفته همبستگی با خلق شیلی در کنار آنان قرار گرفته و از مبارزه آنان پشتیبانی می‌نماییم.

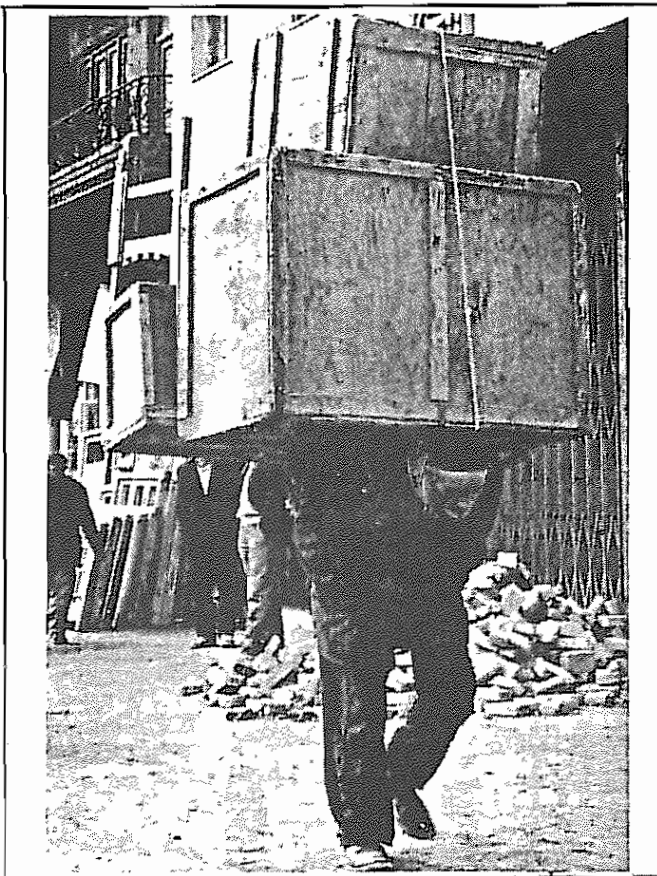
نامه‌ای از ایران

زمینه فراهم نیست بروفلان روزبیا . مهدی می آید که جلوشان آقا و اکبر آقا و مک فارلین ایستاده اند و باهم شعاری دهند مهدی آمریکائی اعدام باید گردد و . . . تلفن را خیلی کنترل می کنند گویا به قیمت کلان دستگاه‌هایی از ژاپن خریده اند که در آن واحد می‌تواند از هزار شماره نیوار

بردارند . قیمت سکه در بازار به هشت هزار و سیصد تومان رسیده و آنهم سکه‌هایی که آقایان طرفدار استضعفین به کارمندان دادند و ابتکار اقتصادی بی نظیرش خوانند الان در گسار و صند و قهای کلاشواود زده‌ها مخفی شده و امسال دیگر برای خودشان نمی صرفید که چنین کنند در نتیجه به کارمندان کوپن داده اند . اکنون میوه کیلویی سی تومان کمتر گریخت نمی آید و ویرتقال و نارنگی کیلویی شصت تومان است گوشت دویست و بیست تومان ، البته اگر بتوان گوشتی گیر آورد . از هر راهی از مردم میدزند . در ۲۲ بهمن به تمام دانش آموزان ساکسی داده بودند که در آن لوازم بریزید و بیاورید و ایام عیدی قلک داده بودند که پولهایتان را در آن بریزید و بیاورید ولی با این همه همین بچه های کلاس اول هم خوب می فهمند و از همه های آقایان برمی آیند . درمد رسای به دانش آموزان فرمی دادند که برای اسفالت قسمت شرقی حیاط مدرسه احتیاج به پول است که از خا - نواده ها کمک بگیرند بعد ها معلوم شد که این فرم در تمام مدارس منطقه بین دانش آموزان پخش شده است یعنی در این منطقه آموزش و پرورش تمام مدارس قسمت شرقی حیاتشان احتیاج به اسفالت داشته است . . .

این احوال سر تا سر تهران را کند هاند به پنهان سنگرسی جهت جلوگیری از ضربات بمباران هوائی ولی احمقترین آدم‌های میهنی فهمند که قضیه چیست . تمام چهارراه های تهران را گونی چیده هاند جهت سنگرولی همه مردم می دانند که هدفشان چیست . آخرین گونیهای شن که نمی تواند جلوی بمباران هوائی را بگیرد و مثل سگ از مردم می ترسند . آنهاست که دست توی سفره اینها دارند همانها هم فحش شان می دهند . حربه چوک واقعا یکی از حربه های کاری ملت توی این عرصه است . فرم چوک با آن مایه های مبتذل خویش اکنون واقعا جای نیکو پستندیده ای یافته است . از نمونه های که اخیرا شایع شده ؛ ریگان به کنگره میرود و دکرات های گویند صل علی محمد یا رامام خوش آمد جمهوریخواهان در جواب میگویند ما اهل کوفه نیستیم امام تنها بماند و خلاصه ریگان جهت حل قضایای گویند بهتر است وحدت کلمه را حفظ کنیم و همه باهم ضمن حفظ وحدت بگوئیم جنگ جنگ تار فح فتنه از جهان - نمونه ای دیگر روزنامه اعلانی زده بودند که یکصد و بیست عدد دگا و اسرائیلی بفروش میرسد شماره تلفن مجلس را داده اند - نمونه ای دیگر ، مهدی ظهور میکند و آقای گویند

. . . ما هم که به اصطلاح در وطن خود هستیم در حقیقت وضعیتی بسان تمام مهاجرین داشته ایم و داریم تا چه پیش آید یا به عبارتی دیگر ببینیم چه میتوانیم بکنیم . نیمسال دو و سه سال گذشته واقعا بیشترین لطامات و صدمات را در طول مدت فترت چند ساله ، ملت ما متحمل شدند و قاچاقچیان فوج فوج آزاد می گردند و به جای آن جوانان پاک و بی آلاش دستگیر میشوند . تعداد زیادی از آنهاست که قبلا آزاد شده بودند مجدداً "خد متشان" رسیده هاند و بالا اقل مجدداً یک سلام و هلیکی با آنان داشته اند . بعضی از بچه ها را که مدت میهمانی شان با تمام رسید به خانه نفرستاده که هیچ ، مجدداً پذیرائی کرده هاند . کسانی هستند که بیش از یکسال ملاقات نداشته اند . از خانواده مشان انواع و اقسام تعهد میگیرند که به بهشت زهرا نروند ، فلانجا اجتماع نکنند . کمتر از شش سال میمانی رفته ها حق ملاقات ندارند . با تمام این احوال پایداری و امید در نهایت خویش بر جانهای ترومی افکنند . از آشناها ، آنهاست که می شناسی . . . هنوز آنجاست ولی برخلاف آنچه گذشته برای نوشته بودم خوسه و اصلاح کرده و وضعش عالی است . آخرین خبر از . . . حاکی است که همچنان اسطوره ای مانده است . اسطوره نه افسانه بلکه واقعیت تبیین میکند ، گفته میشود که بد یار با قسی اش فرستاده هاند ولی در حقیقت به فراموشخانه ای دیگر فرستاده هاند که روزی سه بار ورزش میکند و برای جوانان را آغاز وسیله شوخی شده بود ولی او در جواب یکی از اینها که پرسیده بود چرا اینقدر ورزش میکنی ؟ گفته بود اینها میخواهند من اینجا بیوسم و لاشه ام را برون بیندازند ولی من خود را حفظ میکنم تا مسرودم لاشه اینها را بیرون بیندازند و من مرگ آنها را ببینم . بعضی از بچه ها از آن موقع تا حال هنوز هم مغرورند بسر میبرند هر چند مدت میهمانی مشخص شده ولی هر روز باید روی تخت معهود دراز بکشند . راستی کجای دنیا چنین است آنچه من می بینم واقعا مجموعه ای است از آنچه در دنیا معمول است به اضافه اینکه آفات شخصی آقایان . در تاریخ ما بیسابقه است . گوش و دماغ بریدن آغا محمد خان ، متااره از سر برافراشتن تیمور . . . چنین نبوده که اینانند . تمام خانواده ها شماره پلیس دارند . همان دفترچه بسیج هرگونه نقل و مکانی در آن درج میشود و در پیرونده مربوطه منعکس میگردد . کسی امتحان داده بود برای دانشگاه در جوابش نوشته بودند که از هفت منبع تحقیق شده و شما . . . هفت منبع در کوتاهترین مدت همه چیز را می شناسد . با تمام



ایدز: میخ دیگری بر تابوت دموکراسی

تا امروز ۱۲ کشور از قاره جهان شیوع بیماری ایدز را گزارش کرده اند. از این لحاظ میتوان ایدز را یک بیماری جهانی اعلام کرد.

به تخمین سازمان بهداشت جهانی میان ۵ الی ۱۰ میلیون نفر هم اکنون به ویروس (ویروس نوعی میکرب بسیار کوچک) ایدز مبتلا هستند که از این تعداد در طی ۵ سال آینده به بیماری ایدز زدنیم الی سه میلیون نفرشان بروز خواهد کرد. سازمان منور تخمین زده است که در همین پنج سال آینده این ویروس ۵۰ تا ۱۰۰ میلیون انسان جدید را گرفتار خواهد کرد و از آنجا که در نبود یک درمان قاطع اکثریت این افراد طی چند سال بعد به بیماری ایدز مبتلا شده، هلاک خواهند شد ابعاد فاجعه را این اپیدمی جهانی مشخص می گردد.

بیماری ایدز زدنوع خود بی نظیر است. گذشته از ابعاد فاجعه بار جهانی آن شیوع این بیماری تناقضات نظام سرمایه داری جهانی و گنگدیدی آن را از یکطرف و اثرات سرشکن کردن بحران سرتاسری سرمایه داری به کشورهای تحت سلطه از طرف دیگر را عریان می کند. در این مقاله بطور اجمال نحوه شیوع و ویژگی های این بیماری را شکافته و به برخی از ابعاد اجتماعی - سیاسی آن اشاره خواهیم کرد.

ایدز چیست ؟ این بیماری توسط ویروسی که HIV (ویروس تضعیف ایمنی انسانی) نام گرفته ایجاد می گردد. ویروس HIV از طریق خون و یا آمیزش جنسی وارد بدن انسان شده و عمدتاً آن سلولهای بدن را که نقش دفاع ایمنی در مقابل برخی عفونت ها و بیماری ها دارند گرفتار می کند. بنابراین این سلولهای مذکور بطور بطئی اما مداوم و فزاینده طی چندین سال از زمین می روند. با کاهش کمی و کیفی این سلولهای دفاعی قدرت دفاع بدن در مقابل انواع عفونت ها و برخی سرطان ها کم شده و بیماریها انواع عفونت ها و سرطان های ریوی، مغزی روده و پوست دچار می شود. چنین شرایطی را ایدز (AIDS) می گویند. در واقع ایدز مرحله نهایی ابتلا به ویروس HIV می باشد.

هنوز دقیقاً معلوم نیست که چه درصد از افرادی که به ویروس HIV مبتلا می شوند نهایتاً به مرحله ایدز وارد خواهند شد. از شواهد موجود می توان حدس زد که بیش از نیمی از مبتلایان به این ویروس نهایتاً از ایدز رنج خواهند برد.

چگونگی سرایت ویروس: این ویروس اولاً از طریق تزریق خون آلوده (مانند استفاده از سوزن های آلوده به خون بیمار مبتلا به ویروس) و ثانیاً از راه آمیزش جنسی (چه زنوع همجنس با زن و چه میان زن و مرد) با فرد مبتلا به بیماری و ثالثاً به جنین از طریق زنی حامله که به ویروس HIV گرفتار می باشد قابل انتقال است. بجز این سه طریق هیچ راه دیگری برای انتقال ویروس HIV وجود ندارد و مشخصاً از طریق روابط معمولی انسانی چون دست دادن در یک مکان کار کردن، با هم زندگی کردن و حتی از قاشق و لیوان هم دیگر استفاده کردن منتقل نمی شود. در اغلب کشورهای سرمایه داری امپریالیستی بیماری ایدز زدنوع اول در همجنس با زن ها و در نتیجه بعد در معتادین به مواد مخدر مشاهده می شود.

طبق آمار منتشره در سال گذشته بیشترین گسترش بیماری ایدز میان معتادین بود. بطوریکه هم اکنون در آمریکا معتادین ۱۷ درصد مبتلایان به ایدز را تشکیل می دهند. در کشورهای اروپای جنوبی اکثریت مبتلایان به ایدز معتادین می باشند. این افراد معمولاً در بیشترین لایه های جامعه قرار دارند که در کشورهای امپریالیستی از سیاه پوستان و مهاجرین تشکیل شده اند. بطور مثال در روستا نیویورک که ۷۷ درصد معتادین به ویروس ایدز مبتلا هستند اغلب از سیاه پوستان و یا مهاجرین آمریکای لاتین می باشند. بیماری پیش از نیمی از جوانان سیاه پوستان در این شهر علل اجتماعی اعتیاد و زمینه رشد بیماری ایدز را روشن می کند. در آمریکا و اروپا اکثریت زنانی که به ایدز مبتلا هستند معتادین به مواد مخدر و یا زنان معتادین می باشند که در آمریکا اغلب سیاه پوست و یا از آمریکای لاتین هستند. فشار بیماری بر زنان مضاعف است چون در دوران حاملگی نه تنها امکان سرایت ویروس ایدز به جنین وجود دارد بلکه حاملگی بیماری را در تسریع می کند.

خرج معالجه هر بیمار مبتلا به ایدز تا زمان مرگ او چهل هزار دلار محاسبه شده و تخمین زده اند که در سال ۱۹۹۱ هزینه درمان سالانه ایدز در آمریکا متجاوز از ۱ میلیارد دلار خواهد شد. واضح است که لایه های تهیدست جامعه قادر به پرداخت چنین هزینه ای نیستند و همین امروز رخی از بیماران نه تنها در ولت و حتی بیماران مبتلا به ایدز از چگونگی جدایی های قرون وسطی در کناری به حال خود رها می کنند. جالب است که مسئله وجدان پزشکی هم در کشورهای سرمایه داری تابع پول می باشد. اغلب پزشکان بجز برای آنهایی که در واحد های تخصصی کار می کنند از نگهداری بیماران مبتلا به ایدز سر باز می زنند در حالیکه مشخص شده هیچ نوع خطری آنها را تهدید نمی کند.

ابعاد فاجعه بار بیماری ایدز در کشورهای آفریقایی جنوب صحرا یا در آفریقای جنوبی طاعون قرون وسطی است. در برخی از کشورهای جنوب زئیروزا میا و اوگاندا ۴۱ تا ۱۵ درصد بزرگسالان گرفتار این ویروس هستند و این ارقام در برخی افراد جامعه مانند فاحشه ها به ۷۰ تا ۹۰ درصد می رسد. هم اکنون در بیمارستانهای این کشورهای بیماران مبتلا به ایدز بیشترین درصد بیماران بستری شده را تشکیل می دهند. می بایستی توجه نمود که مبتلایان اکثر جوانان یعنی نیروی کار و بعضاً نیروی کارمندان این کشورها را شامل می شود.

در آفریقا برعکس کشورهای سرمایه داری صنعتی گسترش ویروس HIV بیشتر از طریق آمیزش جنسی میان زن و مرد و در رجه دم بخاطر استفاده مکرر از سوزن های تزریقی استریل نشده انجام می پذیرد. بیماری ایدز تا اوایل دهه ۱۹۷۰ در آفریقا گزارش نشده بود. علل گسترش سریع این بیماری اولاً به علت کندی شدن نیروی عظیمی از هقانان از زمین یا ایل خود و رانده شدن آنها به حاشیه شهرها بعنوان نیروی کار ارزان، ثانیاً به علت هرج و مرج ناشی از جنگ های داخلی است. مثلاً در زئیروزا و گاندا و یا جنگ میان کشته بهائی چون تانزانیا و اوگاندا و

جنگ های ضد انقلابی در موزامبیک و انگولا و ثالثاً با زدن راههای بازرگانی نهی از زئیروزا و کشورهای میانه آفریقا و بناد شرقی این قاره می باشد. بدین ترتیب رشد مناسبات سرمایه داری تحت سلطه و تناقضات ناشی از آن در لیل مستقیم و بلا واسطه شیوع این بیماری و گسترش فاجعه بار آن می باشد.

هزینه درمان ده نفر مبتلا به ایدز (چهار میلیارد دلار) از بودجه سالانه بیمارستانهای عده کشورهای آفریقایی بیشتر است. حتی هزینه آزمایشی یک شیشه خون برای ویروس ایدز (۲۰ دلار) افزون بر بودجه سرانه سالانه بهد اشقی اغلب این کشورهای است. این فشار مالی در شرایطی است که در بین آفریقا به بانکهای انحصاری جهانی بیش از ۲۰۰ میلیارد دلار راست و این در حالیست که در سال ۱۹۸۶ کشورهای آفریقایی مبلغ ۱۹ میلیارد دلار بخاطر سقوط قیمت کالا های اولیه از دست دادند بدین معنی است که بهای این فشار مالی را کارگران و زحمتکش این کشورهای پرداختند. همانهایی که اولین قربانی های این بیماری خطرناک هستند.

زیرسایه شوم چنین بحران اقتصادی نه مکار آزمایش خون های تزریقی وجود دارد و نه می توان سیستم بهد اشقی را بهبود بخشید و نه سیستم اجتماعی مناسبی وجود دارد تا قادر باشد از طریق آموزش توده های جلوی گسترش این ویروس کشنده را بگیرد و نه می توان حتی ابتدائی ترین انواع درمان را ارائه داد. وحشت از گسترش ایدز زحمتی برنا هم موجود و اکسیژن سیون راهم مختل کرده است و خطم شیوع انواع بیماری های مسری دیگر هم در افشاید و همیشه.

پاسخ سیستم سرمایه داری جهانی به این فاجعه آینده ایست از گنگدیدی نظام سرمایه داری انحصاری و ولتی :

۱- در چند سال اول آغا زاین اپیدمی، یعنی در زمانی که کنترل آن احتمالاً ساده تر بود، دولت های کشورهای سرمایه داری صنعتی کمک گونه سر در برف کرده و کوچکترین حرکت اجتماعی از خود نشان ندادند. به همین صورت دولت های مرتجع کشورهای آفریقایی مانند کنیا از ترس اینکه توریسم صد و هار آید تا مدت ها منکر شیوع بیماری بودند (درست، مانند رژیم شاه در مورد شیوع بیماری وید و ایران) . رژیم ارتجاعی حاکم بر زئیروزا حتی امروزه مشخص شده این کشور بیشترین تعداد مبتلایان به ایدز را در هنوز این مسأله رسماً قبول نکرده است. زمانی این دولت ها به حرکت درآمدند که این بیماری از محدود و اقلیت هلو مختلف خارج شده و کل جامعه را تهدید کرد.

۲- از آنجا که سرمایه داری همه چیز را تهدید می کند، علم هم در این میان مستثنی نیست. مدت ها بر سر اینکه این ویروس را فرانسوی ها کشف کردند یا آمریکایی ها چنان جدی در گرفتند که مانعی سر راه پیشرفت علمی در زمینشده، ایستاد. البته یک دعوی علمی نبود. مسئله بر سر این بود که سود حاصل از فروش آزمایشات خون و بعد ها واکنس هایی که احتمالاً کشف خواهند شد نصیب بقیه در صفحه ۱۴

آموزش مهاجرین در فرانسه ،

بازتولید فقر

فرانسه متولد شده اند و اکثریت بزرگی از آنها در فرانسه باقی خواهند ماند. بنا بر این هدف اصلی یک سیستم آموزش صحیح ، باید پرورش و جذب آنها در تمام سطوح جامعه باشد که لازمه آن موفقیت در مراحل آموزشی است. حال آنکه گرایش کنونی این سیستم معطوف به راندن مهاجرین به پایین ترین سطح جامعه است .

تسلط بر شدن مهاجرین در نواحی فقیرنشین شهرها و عواقب مخرب آن در آموزش فرزندان مهاجرین دورباطل بازتولید فقر را در جامعه ای که به علت بحران و بیگاری، تحصیلات عالی یک راه نجات زودتر است ، سبب می شود. بدیهی است این مسئله راه حل دمکراتیک می طلبد. طبیعی است که دولت دست راستی فرانسه نه تنها دست به چنین اقدامات رادیکالی در جهت بهبود شرایط اجتماعی نسل جوان مهاجرین نخواهد زد ، بلکه با دادن زدن به گرایش های ناسیونالیستی افراطی و مایه ترضیقات ، می گوید تا خارجیان را بیش از پیش از متن فعالیت اجتماعی براند. در بحران عمیقی که گریبانگیر نظام سرمایه داری است دولت می گوید تا عوارض بحران مانده بیگاری را به حضور خارجیان بدهد و آنها را از امتیازات اجتماعی محروم نماید. لایحه دولت شیراک در مورد تغییر قوانین آموزش عالی که آشکارا فرزندان طبقات کم درآمد و بویژه خارجیان را از تحصیلات عالی محروم می کند ، نمونه سیاست های دولت در مورد آموزش و از جمله آموزش خارجیان است .

آموزش ، تقریباً با همان پایه ای شروع می کنند که کودکان فرانسوی و تقریباً ۸۰ درصد کودکان مهاجرین از سه سالگی به کودکان فرانسوی می روند. اما مسائل آنها از هنگام رفتن به مدرسه آغاز می شود. در این مرحله میزان ردی بسیار بالاست. تعداد دانش آموزان خارجی که در کلاسهای تقویتی ویژه شرکت می کنند چشمگیر است و این روند تا دبیرستان ادامه می یابد. پس از دو سال از فرزندان مهاجرین (در مقابل ۱/۳ دانش آموزان فرانسوی) به مدارس حرفه ای هدایت می شوند. در انتهای دوره آموزش متوسطه ، دانش آموزان خارجی تنها ۳/۸ درصد دانش آموزان سال آخر دبیرستان را تشکیل می دهند .

یکی دیگر از عوامل تشدید این امر سیستم ویژه آموزش مهاجرین است که آموزش زبان و فرهنگ بومی را در آموزش عمومی ادغام می کند. این امر اگرچه باعث دخالت بیشتر والدین در آموزش ساعت رتبه بهتر شخصیت کودکان می گردد ، اما مسئله مهمی که باید بدان توجه شود ، محدودیت ها و عواقب منفی این سیستم آموزشی است. این سیستم هیچ عنوان جوابگوی نسل دوم و سوم مهاجرین که در تمامی وجوه فرانسوی هستند نیست. در ضمن هدف این نوع آموزش مخدوش است. زیرا چنانچه هدف از آن حفظ فرهنگ و زبان بومی برای بازگشت به موطن اصلی باشد ، باید بین آنها نگرانی بازگشتن محتمل است و آنرا که در آن کشور می نمانند تفاوت قائل شد. بیش از ۷۰ درصد کودکان خارجی که وارد مدرسه می شوند در

فرزندان مهاجرین در فرانسه ، بیش از پیش از سیستم آموزش عالی به علت نازل بودن قابلیت های آکا دمیک آنان حذف می شوند. موفقیت های دانشگاهی رابطه نزدیکی با عوامل اجتماعی اقتصادی و فرهنگی دارد و دانش آموزانی که منشأ خارجی دارند غالباً از پشتوانه فرهنگی - علمی فقیرتری برخوردارند. اما این تنها یک جنبه قضیه است . مسئله بسیار مهمی که بر روند آموزش فرزندان مهاجرین تا شیر می گذارد ، نحوه اسکان آنها و بیای مدهای آن بر آموزش آنها است و ویژگیهای سیستم آموزش مهاجرین نیز تا شیرات معین خود را دارد .

در برخی از نواحی شهرهای ماری ، شویه کران و پاریس همان روندی در جریان است که در گذشته در شهرهای شیکاگو و واشنگتن در مورد سیاه پوستان در جریان بود. خانواده های فرانسوی ترجیح می دهند بجای فرستادن فرزندان خود به مدارس که پر از خارجی است و به اعتقاد آنها سطح آموزش را پایین می آورد یا سبب رفتارهای نامناسب کودکان می شود ، خانه خود را عوض کنند. بدینال این جایگاهی جمعیت و متمرکز شدن مهاجرین در یک محل ، مدارس بسیاری یافت می شوند که تا ۷۰ درصد دانش آموزان آن را خارجیان تشکیل می دهند. این نحوه توزیع دانش آموزان خارجی که نتیجه تمرکز مهاجرین در محله های فقیرنشین است ، بازتاب سیاست نادانست اسکان و بودا واقع بی توجهی دولت به نحوه اسکان مهاجرین و عواقب آن است .

کودکان مهاجرین بهنگام ورود به محیط

ادامه از صفحه ۱۲

ابدوز: هیچ دیگری بر ...

چه کسی می شود !

۳- چشم انداز سود های کلان ناشی از فروش نتایج آزمایش خون و مصرف داروئی میلیونها بیمار در همان راه آب انداخته است. در این میان شرکت های فراملیتی داروئی به تکاپو افتادند و به گدازه آب زدند. برای سبقت قبل از رقیب می - بایستی سریعاری انسان آزمایش کرد. دیگر نمی - شد آنطور که معمول بوده آزمایش های اولیسه را روی حیوانات شروع کرد. سود های افسانه ای و سوسه میکرد. بنابراین آفریقای ستمدیده و باره مورد پرورش قرار گرفت و مردم بی گناه و زنده جایی - خیرتبدیل به موش آزمایشگاه شدند. این حرکات چنان مفتضح بود که صدای برخی محافل علمی راهم در آورد .

۳- راسیسم نهفته در این نوع آزمایش ها تنها یکی از انواع گرایش های ارتجاعی سرمایه داری انحصاری بود. در خود کشورهای صنعتی پیشرفته راست جدید این اپیدمی را بهانه قرار تا سلطه خود را بر جامعه تحکیم کند. اپیدمی آیدز بهانه ای بود برای سرکوب هر چه پیشتر د مکراسی . ریگان آزمایش خون را برای مهاجرین اجباری اعلام کرد تا اینطور وانمود کند این خارجی ها مستعدکس ناقل این بیماری مهلک می باشند و همچنین تست آیدز برای زندانیان اجباری اعلام شد. صحبت از این است کسانی که آزمایش آنها مثبت اعلام میشود بطور اتمی در زندان نگهداشته شوند .

استفاده باشد. در چنین چشم اندازی استراتژی مقابله با این بیماری مستلزم همکاری وسیع در سطح بین المللی و اختصاص بودجه های عظیمی برای آموزش و درمان می باشد. برای نیل به این مقصود بایستی در سطح جهانی به این بیماری چون آتشی که نظام سرمایه داری آن را چون بادی گسترش می - دهد برخورد شود .

کمونیستها میبایستی شیوه های فاشیستی ضد موکراتیک کشورهای سرمایه داری صنعتی و دولتی کشورهای تحت سلطه را افشا کنند و نشان دهند که گسترش بی امان این بیماری از عوارض نظامی است که بر پایه سود استوار است. در عین حال میبایستی نشان داد که بهای این اپیدمی را بیکرنحیف اقتصاد کشورهای تحت سلطه که تا خرخره به بانک های جهانی مقروضند می برد و این شک این فشار بردوش کارگران و زحمتکشان این کشورها وارد خواهد شد. میبایستی آزمایش های غیر انسانی روی مردم کشورهای آفریقای شرقی و وسطی افشا کرد. همین امروز در اغلب شهرهای اروپا و آمریکا و آفریقا نهاد های توده های و موکراتیک در سطح محلات و بطور اوطلبانه تشکیل شده اند تا به قربانی های این بیماری کمک کنند. میبایستی برای توده ها روشن کرد که از آنجا که آیدز یک بیماری اجتماعی است و تنها از طریق آموزش توده ای و همگانی قابل کنترس است. و بالاخره اینکه باید به مردم گفت آیدز یک بلیه جامعه سرمایه داری و نشانه سقوط ارزشهای معنوی آنست و تا زمانیکه این نظام پابرجاست مردم با فاجایع مشابه دیگری روبرو خواهند بود .

در آلمان مدتهاست که دانشجویان آفریقای را آزمایش اجباری می کنند تا در صورت مثبت بودن به کشورهای پس بفرستند. در ایالت بایرن آلمان غربی متقاضیان شغل دولتی میبایستی بطور اجباری آزمایش شده و در صورت مثبت بودن حذف شوند. در ایسلند مبتلایان به ویروس HIV بطور قانونی در منزل بازداشت شده و تنها زیر کنترل گارد حق بیرون رفتن دارند. در اغلب کشورهای مبتلایان به این بیماری را از کار و اجزای می کنند و در حالیکه کوچکترین خطری کسی را تهدید نمی کند .

بنابراین هیستری ضد آیدز دست د مکراسی گاذب کشورهای امپریالیستی را حسابی رو کرده است. دولت هایی که تا دیروز هم از حقوق بشر می زدند امروز از ترس آیدز ، خالکوبی کردن و حتی زندانی کردن مبتلایان به این بیماری صحبت می کنند. در مکراسی غرب می خواهد بیماری ای که ریشه های اجتماعی دارد و راه حل آن هم اجتماعی است را از طریق ایجاد زندان از زمین ببرد. هیستی ضد آیدز بطور عمدی با هیستری ضد خارجی و راسیستی توأم شده است. و حتی صحبت از این شده است که این اپیدمی راه حل جهانی برای مسئله اضافه جمعیت و کمبود مواد غذایی در سطح جهانی می باشد. دکتر مان (Mann) رئیس سازمان بهداشت جهانی در سخنرانی در رسومین کنفرانس بین المللی آیدز (ژوئن ۸۷) اشاره کرد که برخی محافل می گویند بهتر است آفریقا و برخی دیگر از مناطق جهان را بحال خود رها کنیم !

* * *

در حال حاضر آکسنی برای این ویروس وجود ندارد و بعید است تا عیاً ۷ سال دیگر اماده

“سراب خمینی” “سراب حزب توده”

شاید بعضی‌ها هنوز برای این پنداربا شنیده‌اند که حزب توده دیگر امید به جمهوری اسلامی و شخص خمینی ندارد و دوران دفاع از خط امام و امام فد - امیرالاست بعد از شوه‌های تلویزیونی “سران نام دوخا شن بسرا آمده است، اما همه اینها خیالی بی‌بیش نیست و امیدهرمان حزب توده و نویسنده‌گان “نام مردم” به پیروزی اسلام امام خمینی همچنان با برجاست و کوشش برای به راه آوردن این امام و کشیدن وی بسمت اردوگاه سوسیالیستی و غنابخشیدن به شعارنه شرقی نه غربی همچنان ادامه دارد.

این بار بیام خمینی به زائران مکه در قلب حزب توده هم شرکت کرد. و شوقی در او برانگیخته تادر انتقاد به کج رویهای رژیم - البته با رنگ و بوی مناسب شرایط امروز و اظهارت اسف از ناآگاهی خمینی به مصالح کشور، گمراهی‌های او را متذکر شود. نام مردم در شماره ۱۶۹ خود در مقاله‌ای بنام “سراب” چنین می‌نویسد:

“آنچه که خمینی ترسیم می‌کند شعارنه شرقی و نه غربی بمانند به شعار اصولی انقلاب اسلامی - بر پایه کمونیسم ستیزی است، او بر آن است که - روشنفکران اسلامی “با بیدار” دگرگون کردن جهان سرمایه داری و کمونیسم را بچینما بیند، در قاموس او “کمونیسم و زرا ندوزان و سرمایه داران” در یک صف

یعنی در برابر صرف “اسلام” قرار می‌گیرند و آنها هستند که گویا در تشریح معانی با یکدیگر “حق حیات و ابکتا ر عمل” را از عا مه مردم سلب کرده اند.

تا اینجا حزب توده می‌خواهد القاء کند که خمینی هم ضد کمونیست و هم ضد سرمایه داران و ضد زرا ندوزان است! صرف نظر از اینکه خمینی نه آن زمان که “امام ضدا میریالست” بود و نه این زمان که حزب توده را از بارگاه خویش رانده، هرگز، “زرا ندوزان” و “سرمایه داران” را در مقابل اسلام نمی‌داند، دست و دست در دست سرمایه داران محترم آنها بیتا برای عوا مفریبی بزمخالف خوانی می‌کوشد است، اما حاشا ولله اگر در کمونیست کشی یک لحظه تردید بخود راه داده باشد، مخالفت خمینی با سرمایه داران پیش از آنکه واقعیت عینی داشته باشد و امری جدی باشد همواره سراسری بیش نبوده، سراسری که تنها فرمیست‌های توده‌ای - اکثریتی را تشنه بدنبال می‌کشد است. “نام مردم” ادامه میدهد:

“اگر او شعارنه شرقی و نه غربی را به معنی عدم تعهد در برابر دین و نظام سوسیالیستی و سرمایه داری و نه به معنی کمونیسم ستیزی افسار گسیخته تلقی می‌کرد، اگر با درک ماهیت واقعی دین و نظام و تضاد سرشتی و آشتی پذیر آنها و شناخت دوستان و دشمنان انقلاب راه استقلال و قطع وابستگی بویژه اقتمادی به کشورهای امیریا لیستی را بیش می‌گرفت. و... “بی‌گمان این شعار (نه شرقی و نه غربی) میتوانست برای بسیاری از خلق‌های منطقه جذابیت و گیرائی داشته باشد.”

داستان‌ها در داستان قدیمی حزب توده است

که خمینی درک درستی از ماهیت واقعی دین و نظام جهان (سوسیالیسم و سرمایه داری) و تضاد سرشتی و آشتی پذیر آنها ندارد و کماتان در شناخت دوستان و دشمنان انقلاب در گمراهی است. و هنوز هم راه حل سوم یعنی همان “سراب” جمهوری اسلامی ورق سوخته و تمام شده‌ای نیست.

سپس مقاله با عصبانیت ادامه می‌دهد: “آنچه که خمینی هرگز درک نکرد این بود و هست که خط قرمز تضاد در عرصه داخلی همیشه بین طبقات بهره‌کش و بهره‌ده می‌گذرد و نه بین مسلمانان و غیرمسلمانان” برخلاف آنچه که مقاله نویسنده نام مردم میخواهد بقبولاند هم خمینی و هم سرمایه داران حکومت اسلامی خیلی خوب فهمیده اند که خط قرمز تضاد در عرصه داخلی و هم بین لمللی نبرد طبقاتی و جنبش تمام عیار دین و نیروی متضاد سرمایه است و تمام تلاش آنها مطوف بر این قضیه بوده و هست که تضاد طبقاتی را به آشتی طبقاتی مبدل نمایند و حکومت روحانیت را واسطه این آشتی طبقاتی قرار دهند. اصطلاح مستضعف و مستکبر در برابر استثمار شونده و استثمارگر بیجهت اینقدر تبلیغ نمی‌شود، این همان شعار در آ میختن طبقاتی با یکدیگر و “مستضعف” قلمداد کردن استثمارگران است. اما نکته‌ای که حزب توده هیچگاه درک نکرده است، این است که خمینی دستگاها که مطلقا در شناخت منافع حکومتی خود در اشتباه نبوده و ذره‌ای توهم نسبت به دشمنان طبقاتی‌شان نداشته اند. ولی چه می‌شود کرد که افق دید پورتونیسم فرا ترا ز این نمی‌شود و اعتماد عمیقش به بورژوازی و جاکرمنشاش به دولت‌های آن هیچگاه نمی‌شکند.

ما و خوانندگان

رفیق خمینی! نام شما را که در تاریخ ۱۹۸۷/۸/۳ نوشته‌اید، دریا فت کردیم؛ از حسن توجه شما به نشریات ما زمان “راه کارگر” و “پیام کارگر” تشکر می‌کنیم. و نیز نکاتی که “برای بهبود کیفیت”، “راه کارگر” رگان کمیته مرکزی سازمان پیشنهاد کرده بودید، برای هیئت تحریریه ارسال شد که مالی ارسالی شما در لیست کمکهای مالی درج خواهد شد. امیدواریم که ارتباط و همکاری خودتان را با ما ادامه دهید.

رفیق سربینده شعر “آزدها” اثر شما رسید. اگرچه این شعر نشان می‌دهد که شما با آثار شاعران معاصر آشنا هستید و خود شکردهای کار را دریا فتیاید اما شعر “آزدها” از یکدستی و انسجام لازم برخوردار نیست. منتظر کارهای دیگر شما هستیم. دستتان را می‌فشاریم.

رفیق م. پرواز شعر شما را خواندیم. اگرچه در مضمون نقلابی اثرتان بحثی نداریم، اما این مضمون با فرمی که انتخاب کرده‌اید، همخوانی ندارد. و بیشتر بیان شعاری دارد تا بیانی بسا ایهام‌نا عرا نه، خواندن آثار شعری معاصر را به شما توصیه می‌کنیم. دستتان را می‌فشاریم و منتظر آثار بعدی شما هستیم.

رفیق حمیدنا هم میماند و صحبت آمیزتان را دریا فت کردیم. متقابلا برای شما آرزوی موفقیت و پیشرفت‌های شایان در همه عرصه‌ها داریم. نکات جالبی را که در مورد درج نام‌های ایران، شرح مبسوط و ترو تحلیل بیشتر جنبش ۳۵ ساعت کار و جنبش‌های دانشجویی، و همچنین توجه به مسائل دانشجویان ایرانی تذکر داده بودید مورد توجه ما قرار گرفت. در مورد ضرورت انعکاس پیشرفت‌ها و مشکلات جامعه کشورهای سوسیالیست بخصوص بلطت فضای مسموم تبلیغات ضد کمونیستی کشورهای امیریا لیست ما هم با شما هم عقیده‌ایم و اینرا یکی از وظایف پیام کارگر می‌دانیم.

رفیق از یوگسلاوی، تعداد زیادی طرح از بریده - های روزنامه‌ها و کارهای خودتان که در تاریخ ۱۹۸۷/۸/۳ برای ما ارسال کرده بودید، دریا فت کردیم. از همکاری‌ها و موصیما نه شما متشکر هستیم، امیدواریم با زحمات هم‌میشما همکارا باشید.

رفیق یاشار، نام شما رسید. دقت نظر شما مبنی بر توجه به روحیات و روانشناسی مخاطبین اصلی نشریه پیام کارگر کاملاً ملاحظه است، اما در تصمیم‌آین ملاحظه به انتخاب نام “پیام کارگر” بعنوان یک گرایش فرمالیستی کمی افراط دیده می‌شود. در انتخاب این نام برای نشریه کمیته‌خارج از کشور پایگاه طبقاتی و گرایشات فرهنگی مخاطبین ملایک نبوده است، علاوه‌ها منظور که شما هم میدانید قدرت نفوذ یک نشریه اساسا تابع محتوای است که عرضه می‌کند، چه بسیار نشریات که از روی یک گرایش فرمالیستی نامی ظاهرا دلخواه برمیگزینند ولی ذره‌ای در دل خوانندگان خود رخنه نمی‌کنند. اما تذکر دیگر شما در مورد متنوع از درج اطلاعات و پیاپی‌های کمیته مرکزی که در نشریه راه کارگر منتشر می‌شود و جلوگیری از تکرار و دوباره کاری مورد قبول ما هم هست، سیاست “پیام کارگر” در این زمینه، درج پیاپی‌های مهم رگان‌های مرکزی است، که با پیدوسیعا و متمرکز تبلیغ شوند.

۱۷ شهریور

بلوغ جنبش انقلابی

بیگما نروز هفده شهریور، روزی حماسی و تاریخی بر فراز و نشیب مبارزه کارگران روز حمتکشا ناماست. روزی که توده های میلیونی سینه های خود را در برابر دشمن گشودند و راه قاطع خویش را در برابر سرنگونی نظام سنگین سلطنت به نمایش گذاشتند. رژیم مزدور شاه و اربابان آمریکا شاکه از زهیبت خویش توده ها و اوچتظ هرات بی باغ و منظم تهران در روزهای ۱۳ و ۱۴ شهریور بر خود می لرزیدند، بسا دستپا چگی تمام در پارتیخت و پارتیخته شهر دیگر اعلام حکومت نظامی کردند.

ساعت چهارم روز ۱۷ شهریور، میدان ژاله شهر تهران میعادگانه جمعیت انبوهی بود که روز قبیل در پارتیخته هرات یکمیدان اعلام کرده بودند در طول با میدان فدرا به نشانی تجلیل از شهدای و ده هفته قبل در میدان ژاله گردآیند. ساعت هفت صوف بهم فشرده جمعیت از میدان "روزیه" تا استادیوم شهاب زرا در بر گرفت. خبر خرمیت نظامی و ممنوعیت تظاهرةا و اجتماع توسط ناموران مسلح رژیم که از طریق خیابانها و فرعی خود را به مرکز شکل جمعیت در میدان رسانده بودند اعلام گردید. پاسخیه اظها و سرهنگ مزدوری که پس از قرآنت بیانی اعلام حکومت نظامی دولت از مردم میخواست برآکنده شوند و گرنه شلیک خواهند کرد فریو "بگو مرگ بر شاه" بود و آنگاه حادش ایرخدا دت به بیده حق آنرا لحظه انقلاب و دیگرگون شدن ولحظه اوچ جنبش توده ای و اعتلای انقلابی دانست. لحظه تجلی راه دیکپا رچه توده ها برای ایستادنتا سرحد مرگ، ولحظه جانفشانی با خون سرخ برای آزادی و راه شایز قید مستقر و اعمار، ولحظه ایستادنتا در مبارزه برای خاتم دادن به حیات سنگین سلطنت و شاه مزدور.

هنگامی که سرهنگ مزدور شاه در لباس و نجرهای آمریکا شای فرمان شلیک داد در صف مقدم جمعیت دکنه پیراهن ها گشوده شد و سینه های عربی نپذیرای گلوله های مذبگردید و فریادهای "مزدور شلیک کن" "من آماده ام" از هر سو برخاست. یورش مزدوران جمعیت بی سلاح و بدون دفاع از زمین و هوا همزمان چون ما عقبه نازل گردید. میدان ژاله، خیابان های شهاب ز، ژاله و پیروروی (فرج آباد) به خون چند هزار تن از حمتکشان رنگین شد. همه کس و همه جا هدف گلوله های سنگین تیرباران تفنگ های خود کار قرار می گرفت و این در حالی بود که سردمداران رژیم تا روز پیش از فطای باز سیاسی دم میزدند و هنوز ده هفته از عمر کارکابینه "آشتی ملی" شریف امامی نگذشته بود.

سرتا سر شرق تهران از زیبا رستانتا نیروی هوایی به صحنه یک کارزار واقعی شبا هت داشت. در پارتیخته ها بر روی تظها هر کنندگان گشوده شد. بسیج توده ای بی نظیری متشکل از کاروانا تومبیل های در حال حرکت، و نیروی امداد پزشکی به شکل خود بخودی برای انتقال شهدای و زخمی ها به بیمارستان ها و درمانگاه ها در سطح شهر برآه افتداد. صدها خانه و آپارتمان به محل انجام کمک های اولیه پزشکی تبدیل شد. نبرخونی که در ژاله جاری شد با سرعت و صفنا پذیریت تمام شهر را در جنگ کینه خود گرفت. بانگ ها و فریادها بی زبرگ زنجیرهای بعنوان نظیر بارز و تجلی سرما به امیریا لیستی طعمه آتش خشم توده ها گردید.

تقارن ۱۷ شهریور با شروع اعتصاب سیاسی کارگران و کارکنان فنی لایشگاه تهران منبین ارتباط ژرف جنبش توده ای با جنبش کارگری است. بیگما نآیند و اهرم سرگ انقلاب بهمن نقش مکمل یکدیگر را داشتند و اگر جنبش توده ای با خلق ۲۹ بهمن ها، ۱۷ شهریورها و ۱۳ آبانها مشروعیت (نداشته) و توریته رژیم را بزرگشید، اعتصاب سیاسی کارگران صنعت نفت و دیگر واحدهای مهم تولیدی کمروژیم را شکست، گلوش را آنقدر فشردها از پای درآورد.

در سالروز هفده شهریور با گرامیداشت حماسه آفرینان این روز بزرگ، اطمینان در رژیم خون سرخ قهرمانان گمنامی که زینت بخش هرگویی و برزن گردید به شای بود که خلق برای بیاری درخت آزادی نشا رنمودتا هرچه زودتر بارور گردید و پاشخ قاطع کارگران روز حمتکشان به نظام فرتسنت و سلطنت و ستم سرما به بود، دریای خونی که برای همیشه لکه سنگ و پلیدی نظام شاهنشاهی را از دامن خلق زدود و آئینه ایست تمامت، بسا جنایتکاران دیروزی که امروز نقاب آزادیخواهی بر چهره زده اند، خود را در آن ببینند.

کارگران روز حمتکشان در هفده شهریور قهرمانی ها کردند تا جا معای عاری از ستم طقاتی و میثنی بر عدالت اجتماعی بنیاد نهند. توده ها جنگیدند تا تمام مظاهرم را نابود سازند و بر بنیان ویرانه های آزادی واقعی و دموکراسی حقیقی بنیان سازند، نه برای خلافت فقهی خون شام. و بیگمان دیری نخواهد پایتد که برپا کنندگان هفده شهریور رژیم جنایت پیشه و جنگ افروختها را همچون رژیم منحوس سلطنتی سرنگون کرده و اینبار حکومتی مبتنی بر راه کارگران و حمتکشان بنا خواهند کرد!

محکومیت مجدد رژیم فقهی بخاطر اعمال شکنجه و اعدام زندانیان سیاسی

پس از اعلام محکومیت رژیم جمهوری اسلامی توسط سازمان عفو بین الملل بخاطر نقض حقوق بشر و اعمال شکنجه علیه زندانیان سیاسی در اردیبهشت امسال، اخیرا نیز از سوی کمیته فرعی کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد قطعنامه محکومیت رژیم با زهم بخاطر اعمال کردن حقوق زندانیان و اعدامها هزار نفر از آزادیخواهان به تصویب رسید. تصویب این قطعنامه و انتشار آن با ردیگر احساس نفرت از این رژیم سفاک را در میان مردم جهان زده است. بسیک اعلام این نظر در شرایط کنونی که هنوز مبارزات زندانیان سیاسی ایران فروکش نکرده است و اقدامات حمایتگرانه در نقاط مختلف جهان از سوی نیروهای ترقیخواه ایران ادامه دارد و در حقیقت مبارزه عادلانه مردم ایران را علیه رژیم به ثبوت میرساند.

ادامه از صفحه ۶

معرفی کانوها و تشکل های دموکراتیک

آلمان غربی - شورای اجرائی کانسون پناهندگان سیاسی "افن برگ" با ارسال نامه ای به آدرس ماتاسیس کانسون و آغاز کار اعلام کرد است. شورای اجرائی کانسون پناهندگان سیاسی "افن برگ" (منطقه بادن ایالت ورتمبرگ) که در تاریخ ۱۹۸۷/۷/۱ در اجلاس مجمع عمومی کانسون برگزیده شد با ارسال منشور و اساسنامه خود در خواست همکاری در همه زمینه های مربوط به مسائل پناهندگان را کرده است. ماهمانگونه که در اولین شماره پیام کارگزار اعلام کرد، این همکاری و همکاری تشکل های دموکراتیک پناهندگان را جزو وظایف درجه اول خود میدانیم و از پیشنهاد شورای اجرائی کانسون استقبال می کنیم.

آدرس موقت کانسون پناهندگان سیاسی افن برگ :
Torkan-Nussbacher Str. 6
7602 OBEKIRCH
Zusenhofen B.R.D

معرفی کانوها و تشکل های دموکراتیک :

۷ - "خبرنامه" نام نشریه ایست که متقاضیان پناهندگی سیاسی ایرانی و ستدوالدکرایز آلمان فدرال منتشر می کنند. شماره ۱۵ این خبرنامه که تاریخ ژوئیه و اوت ۱۹۸۷ را داردمنتشر شده است.

آدرس خبرنامه :

Postlagerkarte Nr:104826 - C
5439 Rennerod
W - Germany



عملیات پیشمرگان سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

در پشتیبانی از اعتصاب غذای زندانیان سیاسی اوین و گوهردشت

در پی فراخوان دبیرخانه کمیته مرکزی ما زمانه تمام نیروها و انقلابی برای پشتیبانی از اعتصاب غذای قهرمانان نه زندانیان سیاسی اوین و گوهردشت، پیشمرگان قهرمان ما زمانه کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) در پاسخ به این فراخوان عملیات کوبنده ای را علیه مزدوران جمهوری اسلامی در منطقه پیرانشهر و سردشت به اجرا درآوردند.

شبانگاه ۶۶/۵/۱۷ یک دسته از پیشمرگان ما زمانه کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) در پی شناسایی دقیق پایگاه "پسیگان" واقع در منطقه "بریمرگان" از توابع پیرانشهر برای اجرای یک طرح عملیاتی به آن نزدیک شدند، پیشمرگان پس از استقرار بر بلندیهای مسلط بر پایگاه به دودسته تقسیم شده، عملیات خود را بمناسبت پشتیبانی از اعتصاب غذای قهرمانان نه زندانیان سیاسی شروع کردند.

امابت اولین موشک آرپی جی به یکی از سنگرها و پایگاه تعدادی از مزدوران از راهلاکت رساند و زخمی نمود. همزمان با شلیک موشک آرپی جی، پایگاه مزدوران از دو طرف زیر آتش بیوقفه مسلسلهای پیشمرگان دلیر قرار گرفت. مزدوران پایگاه که از نظر رجنین حمله ای را نداشتند، غافلگیر شده و توان هرگونه عکس العملی را در ابتدای حمله از دست دادند. پس از چندی پایگاه "پسیگان" به همراه پایگاه اطراف آن دیوانه وار روی هدف منطقه را زیر آتش گرفتند.

این عملیات ۴۵ دقیقه بطول انجامید. از میزان دقیق تلفات وارده بر مزدوران رژیم اطلاعی در دست نیست. پیشمرگان پس از اتمام عملیات همگی سالم منطقه عملیات را ترک کردند.

توب و خمپاره ها را در منطقه از سوی پایگاه های مزدوران تا ساعت ۲/۵ شب ادامه دادند که بر اثر ما بت یک گلوله خمپاره به روستای "پسیگان" چندراس از گوسفندان اهالی این روستا تلف شدند. اما خوشبختانه زیان جانی به همراه نداشت.

در تاریخ ۶۶/۵/۱۸ چند دسته از پیشمرگان پس از شناسایی کامل پایگاه "کاولان" واقع در منطقه سویسی سردشت خود را به چندده متری اطراف پایگاه رساندند. پیشمرگان پس از استقرار در دو سمت پایگاه به انتظار دستور فرمانده عملیات ماندند. در ساعت ۸/۴۵ عملیات با شلیک موشک آرپی جی، ورگبار بیامان سلاحهای پیشمرگان آغاز شد. از همان آغاز عملیات در اثر ما بت موشک آرپی جی، بخشی از پایگاه به آتش کشیده شد و مزدوران هراسان و سراسیمه پراکنده شدند، بطوریکه فریاد و جیست زده آنان شنیده می شد.

پس از گذشت مدتی با ردیگریوش دلیرانه پیشمرگان بطرف پایگاه شروع شد و یکبار دیگر موشک آرپی جی و آتش سلاح پیشمرگان بر مواضع مزدوران سارین گرفت.

مزدوران رژیم برای جلوگیری از گسترش تعرض پیشمرگان با انواع سلاحهای سبک و سنگین سنگر پیشمرگان را مورد حمله قرار دادند و با پایگاه های اطراف با خمپاره ۸۰ و ۱۲۰، دوشکا و آرپی جی به کمک مزدوران شتافتند. در پایان این مرحله از عملیات بدلیل آتش سنگین دشمن ز طرف فرمانده عملیات دستور عقب نشینی به پیشمرگان داده شد. در این عملیات حداقل ۲ تن از مزدوران با پایگاه به هلاکت رسیدند و تعدادی نیز زخمی شدند که از آمار دقیق آن اطلاعی در دست نیست. تمام پیشمرگان بعد از اتمام عملیات سالم منطقه عملیاتی را ترک کردند.

سنگر بنا در رژیم جمهوری اسلامی!

بقر را با جمهوری دمکراتیک خلق!

پیروز با دجینش ما دلانه خلق کرد!

درود بر زندانیان سیاسی فرزندان راستین کارگران و زحمتکشان ایران! سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) - کمیته کردستان ۱۳۶۶/۵/۲۶

پس از یک دوره برنا مه آزمایی

صدای کارگر

رادپوی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

برنامه های خود را از اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت ۱۳۶۶) رسماً آغاز کرده است. صدای کارگر هر شب از ساعت ۹ روی موج کوتاه ردیف ۷۵ متر برابری ۴ مگاهرتز پخش می گردد.

برنامه هر شب، ساعت ۳۰ دقیقه صبح روز بعد تکرار می گردد.

برنامه ویژه روزهای جمعه از ساعت ۱۰ صبح پخش می شود.

ساعت و طول موج صدای کارگر را به خاطر بسپارید؛ ساعات پخش و طول موج

صدای کارگر را به هر وسیله ممکن به اطلاع کارگران و زحمتکشان برسانید و آنان را به شنیدن صدای کارگر دعوت نمائید!



EVIN hunger strike War sinking in a quagmire. (This news) EVIN hunger strike... (This is the longest title of the paper since 1977)...

ALIZADI B.P. 195 75564 PARIS - CEDEX 12 FRANCE | آدرس پیام کارگر | POSTFACH 650226 1 - BERLIN 65